



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

محل: کلبه قوانین معربه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتخابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۱۴۸

شنبه ۱۱ آذرماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۱۳

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه اول

تیر ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنماینده گی آقای زهری از طهران و تصویب آن
- ۳- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنماینده گی آقای دکتر طاهری از یزد و خانه مذاکره آن
- ۴- قرائت گزارش شعبه راجع بنماینده گی آقای ریگی از بلوچستان
- ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت ونیم قبل از ظهر بریاست آقای اورنگ تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین بعرض میرسد (شرح ذیل خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان: امام جمعه تهران ملک مدنی - دکتر کیان - دکتر معظنی

حسینعلی راشد - دکتر شایگان - مهندس حسینی - دکتر سنجابی - جلالی موسوی

غائبین بی اجازه - آقایان: حاج سید ابوالقاسم کاشانی - دکتر حسین فاطمی - شمس قنات آبادی - دکتر بقائی

دیر آمده با اجازه - آقای محمد حسین نقشائی یک ساعت

رئیس - آقای اخگر در صورت جلسه فرمایشی دارند؟

اخگر - بله آقای دکتر سنجابی و مهندس حسینی و سایر آقایانیکه در لایحه

غیاب ایشان مطرح شد و خودشان نبودند که تصمیم خودشان را با اطلاع مجلس برسانند این بود که مجلس نمایندگی ایشان را از تهران تصویب کرد و حال اینکه ایشان بنماینده گی از کرمان بیشتر استحقاق دارند.

رئیس - الان من بجنابعالی موده میدهم که ایشان نماینده تمام ملت ایرانند رود ارس تا پدربای گنگ آقای حائری زاده در صورت جلسه صحبتی دارید؟

حائری زاده - اصلاحات مختصری است مربوط بطبق بنده که تصور میکنم در چاپخانه اشتباهی شده اشرا تصحیح میکنم میدهم بهیئت تحریریه که آنرا اصلاح کنند و آقای صفائی هم چون ایشان جزء رأی دهندگان اخیر نوشته شده بود خواستم عرض کنم که ایشان تشریف نداشتند این را هم خواستم تصحیح کنم

رئیس - آقای مشار در صورت جلسه فرمایشی دارید؟

مشار - آقای فرامرزی ضمن بیاناتشان يك مطالبی فرمودند که بنده از جنابعالی تقاضا کردم طبق ماده ۹۰ اجازه بفرمائید صحبت کنم و جنابعالی فرمودید که چون رأی گرفته شده بگذارید برای بعد اینست که در صورت جلسه حرف دارم

رئیس - استدعا میکنم جلوس بفرمائید چون الان صحبت صورت جلسه است و موضوعی که باستناد ماده ۹۰ تقاضای صحبت فرموده بودید چون اعلام رأی شد آن موضوع تمام شد حالا موضوع دیگر که مجال پیدا شد ممکن است تذکر بدهید

رئیس - بنده خواستم راجع بنمیت آقای دکتر فاطمی تذکر بدهم در جلسه قبل هم عرض کردم فرمودید بنویسم نوشتم مهنا اصلاح نشده

رئیس - میروید بکمیسیون محاسبات و اصلاح میشود آقای فرامرزی

فرامرزی - عرض کنم که بنده آن روز چهارتنی با آقای مشار نکردم بکتنایانی پارسل پیش آمده بود بنده گفتم و در همان جلسه هم عذر خواستم دیگر گمان نمیکنم موردی داشته باشد

رئیس - آقای دکتر کیان

دکتر کیان - بنده که جزء غائبین با اجازه در جلسه قبل بودم این را خواستم عرض کنم که نسبت بنده از نظر کسالتی بوده است که داشته ام تصور نشود که از اجاظ عدم شرکت در دادن رأی با آقایانی که اعتبار نامه ایشان تصویب شده است حاضر نشدم بنده کسالت داشتم اگر کسالت نداشتم حاضر میشدم با کمال میل بعه آقایان رأی می دادم

رئیس - این را برای استحضار همه آقایان عرض میکنم در اول جلسه که صورت غائبین و دیر آمدگان خوانده میشود این صورت بعد تصحیح میشود یعنی طبق تقاضای کتبی آقایان تصحیح میشود در صورت جلسه دیگر نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت جلسه گذشته تصویب شد

۲- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنماینده گی آقای زهری از تهران و تصویب آن

رئیس - آقای خسرو نقشائی (آقای خسرو نقشائی گزارش کمیسیون تحقیق دائر بنماینده گی آقای علی زهری را بقراردیل قرائت نمودند)

اعتبار نامه آقای علی زهری که بمخالفت آقایان میر اشراقی بهادری و عامری بکمیسیون تحقیق ارجاع شده بود مورد رسیدگی واقع گردید جریان کلی انتخابات تهران بشرح گزارش شماره ۱ از شعبه چهارم و بنماینده گی آقای علی زهری

ضمن گزارش شماره ۱۴ از شنبه چهارم به عرض مجلس شورای ملی رسیده است.

آقای عامری یکی از ممتازین ایشان بران ادای توشه خدمت در کمیسیون تحقیق با تعریض موضوع هنگام قرائت گزارش در مجلس اعلام نمود.

۸ خرداد ۱۳۳۱ زهری

رئیس - آقای میراشرفی

میراشرفی - بنده باینکه وارد

باشان گفتند اعتراضاتی که این جانب نسبت به انتخابات تهران سابقا با استحضار کمیسیون رسیده است اما در مورد آقای زهری باید اذعان نمود که کسی ایشان را نمی شناسد و معروفیت محلی ندارند و راجع به صلاحیت ایشان هم فعلا عرضی ندارم و در موقع طرح در مجلس با استحضار عنایه خواهم رساند.

آقای بهادری گفتند انتخابات تهران مبنی بر تائید و تعظیم بوده و با آنکه جزائری عضو انجمن مرکزی کمیسیون مؤید عرایض باشد.

اما در مورد آقای زهری ایشان را کسی نمی شناسد و عدای از اعضاء انجمن با بار نامه آقای زهری را امضاء نکردند و ضمنا ایشان عضو بانک کشاورزی بودند اما استخراج شده اند باینکه سابق ایشان از بانک خواسته شود و مورد رسیدگی قرار گیرد.

آقای زهری در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از موارد اعتراض مخالفین گفتند این جانب از بانک اخراج نشده ام بلکه استعفا داده ام و مدارک آن در پرونده موجود است. بکارگزینی این جانب می باشد راجع به جریان انتخابات تهران هم مجلس شورای ملی با تصویب اعتبارنامه نفع از منتخبین صحت جریان استهانتات را تأیید نموده است کمیسیون تحقیق هم با توجه به موارد اعتراض معترضین در جواب آقای زهری و ملاحظه اوراق پرونده تهران و اعتبارنامه آقای زهری گزارش شماره ۱۴ از شنبه چهارم در دسترس است. نمایندگان آقای زهری را نمایند می نمایند.

حسرو قشقائی - این هم شرحی است

که آقای زهری تقاضا کرده اند که بنده

بعدا از گزارش کمیسیون با اطلاع آقایان

برسانم.

(بشرح ذیل قرائت نمود)

آقای حسرو قشقائی معیر کمیسیون

تحقیق - در گزارش شماره ۲۱ (اول خرداد)

کمیسیون تحقیق نوشته شده است که گفته

ام (در بانک اخراج نشده ام بلکه استفاده

ام) از این مورد لازم میدانم یادآور گردد

که هر چند قسمت اول (دوم اخراج) صحیح

است قسمت دوم (استعفا) صحیح نیست.

برای توضیح مطلب اضافی نماید که در

اواخر سال ۱۳۱۹ وزارت دارائی تقاضای

انتقال مرا از بانک کشاورزی نمود و از طرف

بانک باین امر موافقت کردید و پرونده کار

گزینی این جانب در بانک کشاورزی و وزارت

دارائی حاکی از این جریان می باشد و لا غیر

آنها مشهدی باقر بقال وکیل دوره اول روحش از این بیان ناراضی است قصد بنده از این تذکر این نیست که بگویم جناب آقای راشد وکیل طبیعی نبوده اند زیرا بنده ضمن اعتراض خود با انتخابات تهران وجدانا اعتراف کردم که هر گاه در صندوقها و در آراء صندوقها فعل و افعالاتی نباشد چند نفر مستجمله آقای راشد بناسبت توجه های که از سخنرانی های خود کسب کرده بودند وکیل می شدند و لکن وقتی ایشان از همان صندوقی خارج شدند که آقای علی زهری و بعضی از آقایان دیگر که اساسا اعتبار نامه آنها با امضاء انجمن رسیده خارج شده اند آن وقت بکار بردن کلمه (طبیعی تر) از تمام و کلا هفتاد و هشت نفر مروج مدرسو و آیت الله طباطبائی و آیت الله بهبهانی لافل موهن برای کسانی است که در این مجلس نیستند و بدستشان از دنیا کوتاه شده و قدرت دفاع ندارند - (فراموشی - اینطور که شما میفرمائید مثل اینکه قبول میفرمائید ما طبیعی نیستیم چون فقط امثال مرحوم مدرس را میفرمائید)

مطلب دوم درباره منبر و مقام منبر بود که بنده در جلسه پیش عرض کردم هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد بنده خود از خاندان حضرت پیغمبر اکرم هستم و سیادت خاندان نبوی از جمله افتخارات بنده است علاوه وقتی گفته شود منبر منبرم است مسلم است که یک قطعه چوب بخودی خود احترام ندارد بلکه مقام منبر محترم است کما اینکه پیغمبر اکرم از بالای چهارشتر خطابه معروف خود را قرائت فرمود و در آنجا چهارشتر منبر پیغمبر بود پس همه معتقدند که آنچه پیغمبر احترام میدهد مقام ناطق و بیان ناطق است و الا مسلما بزرگانی معاویه هم بالای منبر میرفت و آن منبر محترم نبود

کریم - آقا این مربوط به انتخابات است؟

آقای زهری است؟

(زنگ رئیس)

بنده همانطوریکه در جلسه گذشته عرض کردم اگر احترام مقام منبر واقعاً مورد توجه جناب آقای راشد بود همانطوریکه فرمودند عقیده دارم که منبر بالاتر از تریبون مجلس است بهتر بود در مقام حفظ این منبر از خطر تجاوز اشراش بر می آمدند زیرا همه میدانند که روز اول ماه مبارک رمضان عدای ناشناس (شناخته شده) حجة الاسلام آقای فلسفی را با چاقو و دشنه از منبر باین کشیدند و با اینکه حضرات آیات الله رجوعی و بهبهانی و ۷۲ نفر از علماء طراز اول تهران و نجف اشرف باین عمل اعتراض نمودند و روزی نیست که صدقه نامه و تلگراف اعتراض از مردم مسلمان باین عمل نرسد معذرا کسانی که ادعای دفاع از مقام منبر را دارند سکوت اختیار کردند و این هتک حرمت را با سکوت

خود که علامت رضاست تصویب کردند پس ملاحظه میشود که متأسفانه بعضی بیاناتی که جلسه گذشته درباره حرمت منبر ایراد شد از روی ایمان و عقیده نبود.

و اما آخرین تذکر بنده فرقی بزمین و تریبون مجلس بود که بنده بآن اشاره کرده بودم و جناب آقای راشد آن را بعنوان یک حربه تکفیر که این روزها خیلی مد و مرسوم است بلند کردند در صورتیکه این عمل از ایشان بعید بنظر میرسد بنده خوشوقتیم که آقای رئیس فرمودند اظهارات جناب آقای راشد جنبه رسمی ندارد.

جناب آقای راشد بداند که اگر بنده بیشتر از ایشان بنبر پناه ملت ایران است و این مجلس شورای ملی که آما ملت ایران است البته همه آقایان تاریخ مشروطیت را ملاحظه فرموده اند که در ابتداء مشروطه پندری مردم برای این خانه ملت احترام قابل بودند وقتی که از در مجلس عبور می نمودند کردنها حالت ادب و تعظیم عبور می نمودند بحال هم این خانه مقدس مورد احترام و نظم ملت ایران میباشد و بنیستی بادیده نظارت بخانه ملت نگاه کرد اساساً مثل این مطلب در مجلس مسلمین جایز نیست مرحوم مدرس جواب دادند که (سه سال در خانه ساخته است یکی برای مسجد دیگری برای مجلس اینجا خانه سیاست است و آنجا محل بحث در علوم دینی و مذهبی)

همانطوریکه مسجد محل عبادت و نماز میباشد در مجلس شورای ملی هم محل بحث و سیاست است البته همه آقایان مسلمان هستند و همه نماز میخوانند ولی آیاتا کتون اتفاق افتاده است که در جلسه علنی مجلس شورای ملی کسی نماز بخواند البته نماز خواندن در جلسه علنی باطل نخواهد بود ولیکن برخلاف ترتیب است و اگر کسی گفت در جلسه علنی محل نماز نیست آیا کفر گفته است جناب آقای راشد هر مجلسی را برای حکماری ساخته اند و هر وقت مقتضایی دارد و همانطوریکه انسان در موقع عروسی جشن و شادی بر می آید و در موقع عزاداری دعوت می نماید همانطوریکه انسان وقتیکه وارد حرم مطهر حضرت امام حسین میشود زیارت و آنرا میخواند مشغول عبادت میشود و خاک قبر مطهر را تربت میداند و جای بحث سیاسی نیست در مجلس بجای سیاست است علاوه نظر بنده این بود که بین منبر و تریبون فرق است بدین معنی که ناطق وقتی که در بالای منبر اظهاراتی میکند انتظار ایراد و اعتراض ندارد و هر گاه به مستمع توهین نماید اعتراض نمیکند ولی وقتیکه یک نفر نماینده مجلس شورای ملی از پشت تریبون مجلس نصی می نماید هر گاه توهین بنماید باید انتظار ایراد و اعتراض را داشته باشد وقتی که بنده بجناب آقای راشد عرض کردم اینجا منبر نیست باینجهت بود ایشان تصور می کردند که متکلم و حجه هستند و آنچه میخواستند میگویند و احدی حق اعتراض

ندارد بنده امیدوارم این تذکر بنده جناب آقای راشد را قانع کرده باشد و البته مقام منبر مورد احترام عموم مسلمانان میباشد و از طرفی هم باید عرض بکنم که این تریبون مجلس شورای ملی برای ملت ایران بسیار مقدس و محترم است این سنگر آزادی ملت ایران است و ملت ایران با فداکاری و جانبازی بران است و ملت ایران در رخن خون جوانان این سنگر را از چنگال دشمن خارجی اینگونه برضد ماعدل نکردند این مشاورین مغرض در تمام شئون مملکت بنادرستی عمل کردند و حاصل کار ایشان همین است که می بینیم همه میدانند که آقای مصدق السلطنه آدم قوم و خویش بازی است و در این راه افراط میکند و بسیاری از امور حساس مملکتی را بیستگان نادان و مغرض یا جاهل خود واگذار می کند و اولین نقطه این قوم و خویش بازی جهت را خودش و بعد مملکت می بیند در کار انتخابات نیز مثل کار نفت مثل اداره تأسیسات آبادان مملکت از این خطر قوم و خویش بازی مصون نماند به همین جهت آقای مصدق السلطنه باین دستیار مغرض یک همکاری معرفی نظیر آقای امیرعلائی را برای خود انتخاب کرد که اگر روزی پرونده های جنایات و مفاسد وقتل و کشتارهای انتخاباتی فاش شود آنوقت معلوم خواهد شد که سهم این مشاور بدکار در این جنایات و مظالم تاجه اندازه بوده است بزرگترین ضربتی که آقای امیرعلائی در جریان انتخابات بر بیکر موجودیت و بر بیکر حکومت مصدق السلطنه وارد ساخت صرف نظر از تمام توصیه های خلاف قانون و اصول مداخله دادن علیه در کار انتخابات و بعد تم گرفتن دستگام قضائی بود همه میدانند که در رژیم مملکت دموکراسی هرگز قاضی و عدلیه امور اجرائی فرمانبردار دولت نمی شوند اما آقای امیرعلائی وزیر مشاور بهیستستی آقای سمعی در اسرار وزارت عدلیه این دستگام را لجن مال کرد دولت را مداخله کار نشان داد بطوریکه میتوان به جرأت ادعا نمود قسمت عمده کشته ها و واریج انتخاباتی معلول توطئه ها و دستهای این وزیر مشاور در اطراف خراب و زانها آقای راشد اظهار تأسف نمودند اما راجع باقای زهری بنده وارد خصوصیات شخصی و تاریخچه منبر نمی شوم (زهری - بنده میفرماید)

بنده عرض کردم فرقی است بزمین و تریبون مجلس و منبر و حالا هم کاملا بعقیده خود استوار هستم و بزرگترین دلیل بنده بیانات مرحوم مدرس در دوره چهارم از پشت همین تریبون میباشد روزیکه در این مجلس لایحه منع مسکرات خارجی مطرح بود یکی از آقایان روحانیون مجلس ایراد کرد که گفتگو در باره این مطلب در مجلس مسلمین جایز نیست مرحوم مدرس جواب دادند که (سه سال در خانه ساخته است یکی برای مسجد دیگری برای مجلس اینجا خانه سیاست است و آنجا محل بحث در علوم دینی و مذهبی)

همانطوریکه مسجد محل عبادت و نماز میباشد در مجلس شورای ملی هم محل بحث و سیاست است البته همه آقایان مسلمان هستند و همه نماز میخوانند ولی آیاتا کتون اتفاق افتاده است که در جلسه علنی مجلس شورای ملی کسی نماز بخواند البته نماز خواندن در جلسه علنی باطل نخواهد بود ولیکن برخلاف ترتیب است و اگر کسی گفت در جلسه علنی محل نماز نیست آیا کفر گفته است جناب آقای راشد هر مجلسی را برای حکماری ساخته اند و هر وقت مقتضایی دارد و همانطوریکه انسان در موقع عروسی جشن و شادی بر می آید و در موقع عزاداری دعوت می نماید همانطوریکه انسان وقتیکه وارد حرم مطهر حضرت امام حسین میشود زیارت و آنرا میخواند مشغول عبادت میشود و خاک قبر مطهر را تربت میداند و جای بحث سیاسی نیست در مجلس بجای سیاست است علاوه نظر بنده این بود که بین منبر و تریبون فرق است بدین معنی که ناطق وقتی که در بالای منبر اظهاراتی میکند انتظار ایراد و اعتراض ندارد و هر گاه به مستمع توهین نماید اعتراض نمیکند ولی وقتیکه یک نفر نماینده مجلس شورای ملی از پشت تریبون مجلس نصی می نماید هر گاه توهین بنماید باید انتظار ایراد و اعتراض را داشته باشد وقتی که بنده بجناب آقای راشد عرض کردم اینجا منبر نیست باینجهت بود ایشان تصور می کردند که متکلم و حجه هستند و آنچه میخواستند میگویند و احدی حق اعتراض

بسیاری از دولت ها و روساء دولت هایی که در عرض چند سال اخیر دوران دموکراسی متصرف شدند و اصول و قانون را زیر پا گذاشتند و با خلاقیت و مروتیات مالطه وارد ساختند اغلب اینها از این انحرافات را بعیل خودشان مرتکب شدند بلکه همکاران بهم مشاورین مغرض دستیاران جاهل و نفع طلب اکثر رئیس الوزراهای بعد از شهریور را متصرف کردند و مردم را نسبت به دستگاه حا که بدین ساختند و اساس نظم

اجتماع ما را متزلزل نمودند حقیقت آنست که تقدیری که آقای مصدق السلطنه در عرض سیزده ماه زمامداری خود از مستشار بدو دستیار فاسد و همکار مغرض یا مفسد لطمه دید و به مملکت لطمه زد هیچ دشمن خارجی اینگونه برضد ماعدل نکرد این مشاورین مغرض در تمام شئون مملکت بنادرستی عمل کردند و حاصل کار ایشان همین است که می بینیم همه میدانند که آقای مصدق السلطنه آدم قوم و خویش بازی است و در این راه افراط میکند و بسیاری از امور حساس مملکتی را بیستگان نادان و مغرض یا جاهل خود واگذار می کند و اولین نقطه این قوم و خویش بازی جهت را خودش و بعد مملکت می بیند در کار انتخابات نیز مثل کار نفت مثل اداره تأسیسات آبادان مملکت از این خطر قوم و خویش بازی مصون نماند به همین جهت آقای مصدق السلطنه باین دستیار مغرض یک همکاری معرفی نظیر آقای امیرعلائی را برای خود انتخاب کرد که اگر روزی پرونده های جنایات و مفاسد وقتل و کشتارهای انتخاباتی فاش شود آنوقت معلوم خواهد شد که سهم این مشاور بدکار در این جنایات و مظالم تاجه اندازه بوده است بزرگترین ضربتی که آقای امیرعلائی در جریان انتخابات بر بیکر موجودیت و بر بیکر حکومت مصدق السلطنه وارد ساخت صرف نظر از تمام توصیه های خلاف قانون و اصول مداخله دادن علیه در کار انتخابات و بعد تم گرفتن دستگام قضائی بود همه میدانند که در رژیم مملکت دموکراسی هرگز قاضی و عدلیه امور اجرائی فرمانبردار دولت نمی شوند اما آقای امیرعلائی وزیر مشاور بهیستستی آقای سمعی در اسرار وزارت عدلیه این دستگام را لجن مال کرد دولت را مداخله کار نشان داد بطوریکه میتوان به جرأت ادعا نمود قسمت عمده کشته ها و واریج انتخاباتی معلول توطئه ها و دستهای این وزیر مشاور در اطراف خراب و زانها آقای راشد اظهار تأسف نمودند اما راجع باقای زهری بنده وارد خصوصیات شخصی و تاریخچه منبر نمی شوم (زهری - بنده میفرماید)

بنده عرض کردم فرقی است بزمین و تریبون مجلس و منبر و حالا هم کاملا بعقیده خود استوار هستم و بزرگترین دلیل بنده بیانات مرحوم مدرس در دوره چهارم از پشت همین تریبون میباشد روزیکه در این مجلس لایحه منع مسکرات خارجی مطرح بود یکی از آقایان روحانیون مجلس ایراد کرد که گفتگو در باره این مطلب در مجلس مسلمین جایز نیست مرحوم مدرس جواب دادند که (سه سال در خانه ساخته است یکی برای مسجد دیگری برای مجلس اینجا خانه سیاست است و آنجا محل بحث در علوم دینی و مذهبی)

همانطوریکه مسجد محل عبادت و نماز میباشد در مجلس شورای ملی هم محل بحث و سیاست است البته همه آقایان مسلمان هستند و همه نماز میخوانند ولی آیاتا کتون اتفاق افتاده است که در جلسه علنی مجلس شورای ملی کسی نماز بخواند البته نماز خواندن در جلسه علنی باطل نخواهد بود ولیکن برخلاف ترتیب است و اگر کسی گفت در جلسه علنی محل نماز نیست آیا کفر گفته است جناب آقای راشد هر مجلسی را برای حکماری ساخته اند و هر وقت مقتضایی دارد و همانطوریکه انسان در موقع عروسی جشن و شادی بر می آید و در موقع عزاداری دعوت می نماید همانطوریکه انسان وقتیکه وارد حرم مطهر حضرت امام حسین میشود زیارت و آنرا میخواند مشغول عبادت میشود و خاک قبر مطهر را تربت میداند و جای بحث سیاسی نیست در مجلس بجای سیاست است علاوه نظر بنده این بود که بین منبر و تریبون فرق است بدین معنی که ناطق وقتی که در بالای منبر اظهاراتی میکند انتظار ایراد و اعتراض ندارد و هر گاه به مستمع توهین نماید اعتراض نمیکند ولی وقتیکه یک نفر نماینده مجلس شورای ملی از پشت تریبون مجلس نصی می نماید هر گاه توهین بنماید باید انتظار ایراد و اعتراض را داشته باشد وقتی که بنده بجناب آقای راشد عرض کردم اینجا منبر نیست باینجهت بود ایشان تصور می کردند که متکلم و حجه هستند و آنچه میخواستند میگویند و احدی حق اعتراض

بسیاری از دولت ها و روساء دولت هایی که در عرض چند سال اخیر دوران دموکراسی متصرف شدند و اصول و قانون را زیر پا گذاشتند و با خلاقیت و مروتیات مالطه وارد ساختند اغلب اینها از این انحرافات را بعیل خودشان مرتکب شدند بلکه همکاران بهم مشاورین مغرض دستیاران جاهل و نفع طلب اکثر رئیس الوزراهای بعد از شهریور را متصرف کردند و مردم را نسبت به دستگاه حا که بدین ساختند و اساس نظم

ازان واقفند و تصدیق دارند بنده در باب جریان انتخابات تهران که آقای علی زهری نیز بیچاره و بیخ هزار رأی از آن راداشته اند و نماینده دوازدهم طهران هستند گفتنیها را بعرض رسانیده ام اصولا برای اثبات صحت یا سقم هر امری باید دلیلی ارائه داد بنظر بنده وجود آقای علی زهری یک سند زنده و یک مدرک غیر قابل انکار بر فساد انتخابات طهران است و شاید خواست خدا بوده است که ایشان هم بجناس بیاید تا فساد انتخابات تهران یک مدرک زنده داشته باشد بنده از موقبت استفاده کرده و خود ایشان را بعنوان آخرین سند و قاطع ترین دلیل فساد انتخابات حضور آقایان معرفی می کنم.

در خاتمه عرایض خودم تذکر می شوم که هر گاه از این پنجاه و چند هزار رأیی که آقای زهری در انتخابات تهران داشته اند فقط صاحبان پنجاه هزار رأی حاضر شوند دقتی را در مجلس امضاء کنند و خود را بعنوان موکل ایشان معرفی و یا اصولا اعتراف نمایند که ایشانرا می - شناسند آنوقت بنده تمام عرایض خود را پس میگیرم و قبول می کنم که ایشان حق دارند از همان صندوقی سر در آورند که موتین الملك و مشیرالدوله و مدرس و آیت الله طباطبائی و آیت الله بهبهانی از آن خارج شدند و ایشان حق دارند روی صندلی آن بزرگوار ها بنشینند حالا آقایان شما در دادن هر رأیی با ایشان مختارید اگر آقای زهری از تهران انتخاب شدند ممکن بود از رشت هم انتخاب بشوند یا از بندر پهلوی (زهری - از مشگین شهر) (معتمد مانندی - بندر پهلوی را کیل دارد) حالا یک موضوعی است که از خارج می خواهم بعرض آقایان برسانم آن موضوع انتخابات دوره میانزدهم است در دوره پانزدهم که آقای قوام السلطنه نخست وزیر بودند جناب آقای دکتر مصدق با انتخابات تهران اعتراض نمودند و در روز بار متحصن شدند که انتخابات تهران وضعیت خوب نیست و قبضه حزب دموکرات ایران است و اشخاص نابابی را بر مردم تهران تحمیل کرده اند اتفاقا بنده خودم هم جزو متحصنین بودم و با آقای دکتر مصدق در دربار بودم و جزو مخالفین بودم حالا می بینم هر چه روز میگذرد حکومت های گذشته روستقیرتر میشوند آدم می بیند که حکومت های گذشته روز بروز ضعیفتر میشوند که کاش حکومت قوام السلطنه انتخابات را انجام داده بود برای اینکه آن اشخاصی را که آقای قوام السلطنه از تهران انتخاب کرد اشخاصی بودند مثل دکتر امینی مثل آقای سید هاشم و کجیل مثل علی و کبلی مثل عبدالعزیز بنک پور هیچ وقت در لیست آقای قوام السلطنه یعنی لیست حزب دموکرات اشخاصی مثل آقای زهری نبودند و یک همچو آدمی را ایشان هیچ وقت حاضر

آقایان همت کنند و با ایشان رأی سفید ندهند انشاء الله دوره دیگر ایشان از رشت وکیل بشوند بنده دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای زهری

مطالبی دارد بنفرمایند بعد بنده جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای عامری

بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای بهادری

در موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

نبودند که معرفی کنند و بر مردم تهران تحمیل کنند (قنات آبادی - اشراف را باید اشراف تحمیل کنند) آقای دکتر مصدق که جزو اشراف نیستند ؟ آقای مشاور هم که جزو اشراف نیستند آقای نریمان هم که جزو قزاقی این مملکتند آقای قنات آبادی نظر باینکه باقای زهری ملاقه دارند و مدتی بنده هم با آقایان متحصن بودم و شبها بخوابیدیم توی یک اطاق اینست که بنده هم دیگر راجع به آقای زهری عرایض را خاتمه میدهم و ضمناً می خواهم عرض بکنم که خود آقای زهری آمدند این پشت تریبون و خواهش کردند که با ایشان رأی ندهند حالا یک کسی نمی خواهد وکیل بشود آقایان چه اصراری دارند محض گل روی جناب آقای زهری هم شده آقایان همت کنند و با ایشان رأی سفید ندهند انشاء الله دوره دیگر ایشان از رشت وکیل بشوند بنده دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای زهری

مطالبی دارد بنفرمایند بعد بنده جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای عامری

بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای بهادری

در موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض

مقدمه کوچک میباشد البته عده از آقایان

نمایند کان محترم که در ادوار گذشته افتخار

هم کاری ایشان را داشته ام کمالا برویه

اخلاقی روش پارلمانی بنده استحضار دارند

که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز

خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف

ملی و اجرای نظریه های اصلاحی هم شهریهای

عزیزم را مستلزم دارم

و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه

آقای زهری که اساسا مزاحمت تصدیق بنده را

زیرا در خلال دودوره خدمتگذاری خود وهم چنین در سمت اقامت قبلی تهران اساساً اسم این آقا را هم نشینده والبتہ معروفیتی هم نداشته اند و گمان میکنم سایر آقایان هم مثل بنده چنین اسمی را در تهران نشینده باشند مقصود از عرض موضوع مخالفت بنده با اعتبارنامه ایشان مسبوق بسوابق نبوده بلکه انتحاب آقای زهری از تهران شاخص غیرقانونی بودن انتخابات تهران بوده و گزارش آقای جزایری با آقای نخست وزیر و باشا را بعمل نهدید و تطمیع در انتخابات مزبور مؤید موضوع میباشد حتی چنانچه توجهی با اعتبارنامه آقای زهری بشود بیش از پنج نفر از اعضاء انجمن اعتبارنامه را امضاء نکرده اند و قطع مسلم است که آن ۵ نفر هم تحت تأثیر واقع شده اند آقایان محترم عموم اهالی کشور انتظار داشتند انتخابات دوره هفدهم بر طبق وعده وعیدها و دستورات و بخش نامه ها مخصوصاً جریان قرعه کشی که یکی از ابتکارات جدید دستگاه بشمار میرفت عاری از هر گونه مداخله و بی نظرانہ انجام یافته و شخصیت های برجسته کرسی مقدس نمایندگی را اشغال نمایند مع التأسف در اثر مداخلات اشخاص غیر سالم جریان انتخابات از محور اصلی منحرف و با وجود این همه وعده های دولت و تعویض چند نفر وزیر و وعده زیادی بازرس و استاندار و فرماندار با چنین صورتیکه تاریخ از ثبت آن شرم خواهد داشت در آمده و سهل است تا حال قسمت اعظم انتخابات شهرستانها بجائی نرسیده است خود آقایان محترم شاهد و گواه صادق جریانات می باشند آیا انصاف بود دستگاه قضائی کشور ملعبه امیال و دستخوش اغراض شخصی قرار بگیرند؟ آیا معنی انتخابات با استطلاع آزاد و آید آکی همین است؟ چون آقای میراشرافی رؤس مطالب را فرمودند تجدید نمیکند صد و چهل هزار رأی در تهران آنهم در حق امثال آقای زهری که کسی ایشان را نمی شناسد و معروفیت ندارند چه صورتی را دارد میگویند انتخابات تهران حزبی بوده است بنده هم عرضی ندارم و تصدیق میکنم که انتخابات تهران حزبی بوده آیا حزب زحمتکشان چقدر عضو دارد و آنچرا که بنده تحقیق کرده ام بیش از پانصد نفر عضو ندارد پس آقای زهری این همه رأی را از کجا آورده است قدرت و نفوذ معلی این آقا که کسی او را نمیشناسد تا چه حد و پایه بوده است آقایان بهتر از بنده بجزایرات واقف هستند و مقتضی میدانم که جزئیات را عرض و ترشیح سازم زیرا پرونده امر بهترین دلیل صدق عرایض میباشد آقایان همه داد از خرابی و نقس قانون انتخابات مداخله انجمنها میزنیم کبی و کجا است آن دستگاه که بی نظرانہ انتخابات را شروع و مداخله نکند اول باید آن دستگاه را ایجاد کرد در همین چند ساله عوض اینکه وضع انتخابات بهتر شود بدتر شده و بصورت

بدتری در آمده علت آن اینست که دستگاه مملکت رویهمرفته رو فساد می رود بقول یکی از آقایان که چند روز پیش صحبت میکردند حالا دم از اصلاح قانون میزنیم بسیار خوب بیاید در اول دوره هفدهم قانون جدیدی تهیه و بمجلس بیاوریم و بانفاق آراء به تصویب برسانیم و این شرط بمعض تصویب قانون فوراً وسایل انحلال این مجلس را فراهم سازیم و مجدداً انتخاباتی را که مورد علاقه مردم است شروع نمایم و خدا را شاهد میگیرم اولین فردی که بانحلال این مجلس رأی بدهد بنده خواهم بود ، آقایان باین وضع و تصرف حرف و ابراز تأثر و تأسف مجال است انتخابات صحیح و بدون مداخله انجام داد . شمارا بخدا باوجود اینهمه شخصیت های بزرگ و برجسته در تهران که مورد علاقه عده زیادی از مردم هستند چطور شد که حتی يك رأی هم بنام ایشان داده نشده ولی آقای زهری ۵۰ هزار رأی داشته اند بهر حال بگذاریم و بگذریم و قضاوت امر را بوجدان پاک آقایان که کاملاً بجزئیات امر و جریان انتخابات تهران وارد و مستحضر هستند واگذار می نمایم بنده با احترام فرمایش یکمده از نمایندگان محترم که بانها ارادت دارم و با آنها سابق خصوصاً دارم دیگر از عرض جزئیات خود داری می کنم (زهری - بگوئید) انشاء الله آقای زهری در موقعش میگویم شما اصرار نکنید (زهری - هر چه دارید بگوئید شما چیزی ندارید اگر دارید بگوئید) شما صلاحیت ندارید شما پرونده دارید

(زنك رئیس)

رئیس - آقای زهری الان نوبه شما میرسد و دفاع میکنید

زهری - هر چه دارد بگوئید

بهادری - شما اصرار نکنید ، من نمیتوانم پشت این تریبون بگویم

زهری - من اصرار میکنم که هر چه دارید اینجا بگوئید اگر نگویید دروغ می گوئید

بهادری - دروغ نمیگویم شما پرونده دارید ، شما سابقه دارید ، شما سابقه دربانك کشاورزی دارید

(زنك رئیس)

رئیس - آقای زهری شما الان نوبه تا میرسد هر چه میل دارید دفاع بکنید در بین بیان ناطق صحبت نکنید

زهری - بنده میگویم که هر چه دارند بگوئید

فرامرزی - ایشان میتوانند بگویند با احترام نمایندگان دیگر چیزی نمیگویند

بهادری - با احترام آقای دکتر مصدق که در لاهه تشریف دارند امروز صحبت نمیکنم در خاتمه راجع بنامه آقای نخست وزیر در مورد انتخابات تمام مملکت که آقای مهندس حسینی در موقع طرح اعتبار نامه آقای تولیت اشاره فرمودند بنده عرایض

و نظریاتی داشتم ولی چون فعلاً آقای نخست وزیر برای انجام يك امر مهم و حیاتی بمسافرت خارج از شور تشریف برده اند و بنوبه خود توفیق ایشان را که مورد علاقه ملت ایران میباشد از خداوند متعال مسئلت دارم بنا بر این بقیه عرایض را بعد از مراجعت ایشان موکول مینمایم

رئیس - آقای زهری

مشار - آقای رئیس بنده اجازه خواسته بودم

رئیس - باستناد ماده ۹۰ ؟

مشار - بلی

رئیس - حالا از ماده ۹۰ استفاده می کنید یا بعد از آقای زهری؟ حق استفاده شما باقی است .

مشار - هر وقت بفرمائید ولی حق بنده محفوظ بماند.

عامری - ماده ۹۰ را بخوانید که معلوم شود موردش چیست؟

رئیس - آقای زهری بفرمائید

زهری - آقایان قصدمن دفاع از شخص خودم نیست ، مناسفانه یا خوشبختانه آقایانی که این جا تشریف آوردند یا علیه جریان انتخابات تهران صحبت کردند یا آقای میراشرافی متخصص لجن مالی (میراشرافی - ما که لجن نمایدیم ماساده گفتیم) خواستند لجن مالی بکنند ولی چون قیاس بنفس میکنند (میراشرافی - توهین نکنید آقا) من گفتم قیاس بنفس میکنند حالا اگر قیاس بنفس توهین است حرف من توهین است عرض کردم تمام فرمایشاتشان قیاس بنفس بود و جناب آقای بهادری فقط اسم پرونده ای بردند ولی نگفتند چه پرونده ای و کجا؟ لذا چون آقایان چیزی نخواستند بگویند بنده هم دفاعی ندارم بکنم . راجع با انتخابات تهران بهترین شاهدش مردم تهران هستند تنها چیزی که بنده می توانم راجع با انتخابات تهران عرض کنم اینست که بنده در صندوق دانشگاه ، صندوقی که فقط دانشکاهیان در آن رأی دادند از ۳۰۰ رأی ۱۰۰ رأی داشتم و در صندوقی که در مرکز بازار گذاشته بودند ۶۰ درصد آراء بنام من بود و در لواسان و جاهائی که محل اعمال نفوذ است رأی نداشتم شاید بیا بیست یا سی تا داشتم . راجع بشناسائی خودم هم عرضی ندارم آقایان ممکن است بنده را نشناسند ولی ۵۵ هزار نفر در تهران می شناسند (میراشرافی - خرده اش را هم بفرمائید پنجاه پنج هزار و چهار صد و بیست و یک نفر) خیر پنجاه و پنج هزار و چهل و یک نفر (میراشرافی - مقصودم این بود خرده اش را که فراموش نفرمائید) خیر بنده فراموش نمیکنم شما متخصص لجن مالی هستید (فرامرزی مگر لجن مالی بد است) بنده حالا نمیدانم عرض کنم در خدمت آقایان که زیادتر بمانم شاید یاد بگیرم آنوقت عرض می کنم (فرامرزی - ببینید کی شروع کرده) اما يك موضوع دیگری که آقایان فرمودند که نقطه اتکاء

تمام فرمایشاتشان نسبت بنده بود اینست که اعتبار نامه بنده را همه اعضا انجمن امضاء نکرده اند و فقط پنج نفر هم امضاء کردند بنده اینکه چرا آن آقایان امضا نکردند نمیدانم یادشان بخواست یا از ترکیب بنده بدشان می آمد نمیدانم خوب لابد دلیلی داشته اند برای خودشان پنج نفر کافی بود ولی آیت الله جزایری چرا نکردند حساب يك گروهی بوده و آنهم گروهی که انتخابات اهواز بود در این مورد بنده چون بیشتر نمیخواهم از خودم حرف بزنم عرض می کنم که بنده برای وکالت کبسه ندوخته ام بنده کاندید يك حزب بودم و امیدوارم يك روزی اکثر آقایان کاندید احزاب باشند کار مملکت انشاء الله بیشتر پیشرفت خواهد کرد بودن و نبودن اینجا برای شخص من واقعا هیچ تأثیری ندارد نه خودم را کوچکتر و نه خودم را بزرگتر احساس خواهم کرد این پائین باشم یا آن بالا (اشاره به جایگاه جراید) فرق نمی کند مثل اینکه سه سال هم در آن بالا بودم عرض دیگری هم ندارم و چون آقای فئات آبادی تقاضا کردند در اینجا چند کلمه ای از من دفاع کنند از آقای رئیس تقاضا میکنم که اجازه بفرمایند ایشان چند کلمه صحبت کنند .

رئیس - آقای مشار از ماده ۹۰ میخواهید استفاده بفرمائید بفرمائید از همان جا بفرمائید و بطور اختصار

مشار - اجازه بفرمائید پشت تریبون عرض کنم

رئیس - بفرمائید

مشار - بنده قبل از همه میخواهم بهمکاران محترم خودم عرض کنم که احترام همین مجلس سوگند که جز صداقت و راستی در این مجلس هر چه بشود خلاف مصالح مملکت و ملت است (صحیح است) هر کس کوچکترین غرضی بخرج بدهد چه در مورد اشخاص و چه در مورد مملکت حقیقه بر خلاف مصالح این ملت و مملکت عمل کرده است (صحیح است) هر کس می خواهد باشد آقایان خودشان میدانستند که بنده و آقای مکی مخصوصاً کوشش داشتیم که بین آقایان در باره انتخابات اصلاحی بشود (صحیح است) و این را هم از نظر مصلحت مملکت اقدام می کردیم برای اینکه وقت گرانها فوت نشود اصرار داشتم برای اینکه برای اینک اشخاصی که میخواهند درباره سرنوشت مردم این مملکت اظهار نظر بکنند باین چیزهائی که گفته می شود لجن مالی زهرمار مالی اینجوری نباشد تا چه وقت باید مردمی که اینجا نشسته اند و میخواهند کار مملکت را بجائی برسانند بهشان فحش داد خوب آقای میراشرافی يك مرد نویسنده ای هستند (میراشرافی - کی شروع کرد؟) کی

شروع کرده آقای فرامرزی بابت شروع میکنند. در آن جلسه برای اینکه برای خودشان وجاهت ملی کسب بکنند میگویند بهیند آقای مصدق السلطنه با وزیر خودش چکار کرد بامن چکار کرد آقا، من کی هستم من زائیده این شهرم بزرگشده این شهرم تمام مردم این شهر بعلاوه قسمتی از مردم این مملکت مرا می شناسند کی هست در این شهر که مرا نشناسد یعنی آن دسته ای که با من را شناسند می شناسند ملتفت میشوید اگر آقای نخست وزیر فرضاً از نظر اینکه کار سیاسی دارند و میخواهند در اینجا از شما یک نتیجه بکنند پشت این میز بر من هیچ رهنی وارد نمیشود بقول فرنگی ها زومان فیش حالا بطور کلی میخواهم عرض کنم چون بنده خیلی حرف ها داشتم با آقای فرامرزی ای چون گفته اند حرفی ندارم چیزی نمیگویم امیر اشرافی - آقای مشار جناب عالی پاک و صالح (اجازه بفرمائید جناب عالی و بعضی دیگر از آقایان سوء استفاده می کنند راجع با آقای امیر علانی (میر اشرافی - او خائن است) خیلی خوب هست بسیار خوب (میر اشرافی - او جاسوس است امیر علانی جاسوس انگلیس ها است هر که هم از او دفاع کند مثل اوست) آقای امیر علانی با بنده هم نسبت دارد و از کوچکی من بزرگش کرده ام این آدم چه در خدمت و چه در زندگی با کمال عسرت بسر برده ابدأ داخل کار انتخابات نبوده بیخود جناب عالی هی با او می چسبید و با او نسبت میدید که با دست سیمی وارد شد چنین کرد و چنان کرد (میر اشرافی - آقا تمام عدلیه را او خراب کرد)

رئیس - آقای مشار کوتاه بیایید
میر اشرافی - دکتر سمعی خائن و امیر علانی خائن اینها عدلیه را خراب کردند
مشار - من بشما عرض کردم آقای امیر اشرافی بیخود جنجال میکنید (میر اشرافی - دکتر سمعی بیشراف است آقای امیر علانی خائن است بگذارید مملکت از شر اینها خلاص شود) چرا نسبتش را بکار انتخابات میدید او که در انتخابات دخالتی نداشت (میر اشرافی - همه این جنایات را او کرده و آقای دکتر مصدق هم او را و دادار این کارها کرد) اگر این چیزهایی که با او نسبت میدید درست باشد اول کسی که علیه او صحبت میکند خود من خواهم بود اما راجع با انتخابات تهران که آقای امیر اشرافی همه جا میگویند این چنین شد چنان شد این انتخابات تهران یک موضوع بی سابقه ای بود در کشور ما یعنی تمام علماء مردم را تشویق کردند که بروند رأی بدهید تمام رؤسای اصناف و پیشوران بر اثر تأکید علماء و سایر اشخاص فهمیده و مؤثر مملکت صدها بلکه بیشتر جلسات تشکیل میدادند انجمن ها می کردند خدا میداند که

در خانه من می آمدند می گفتند شما که در منزلتان جبهه ملی تشکیل میشود چرا کاندید- هایتان را نمیگویند که با آنها رأی بدهیم یک همچو حرف هائی میزدند حالاً راجع بهمچو موضوعی که بصالح مملکت تمام شده یعنی در این انتخابات معلوم شد که مردم شهر تهران با هر فسادی مخالف هستند نه به بلشویک کمونیست عقیده دارند و نه به افکار و خیانات دیگر تن میدهند چرا بی- جهت اعتراض میکنید مردم طهران روی عقیده و کمال میل در انتخابات شرکت کردند

رئیس - آقای مشار خارج شده-
مشار - الان تمام میشود راجع این مطالب دو سه دقیقه وقت بیشتر مصرف نمی شود نمایندگان تهران نماینده گیشان تصویب شده است و دیگر مورد ذکر ندارد

میر اشرافی - برخلاف ماده ۹۰ است
رئیس - تأمل بفرمائید
فرامرزی - من هم از ماده ۹۰ می خواهم استفاده کنم اولاً ماده ۹۰ را بخوانید مگر هر کس برای هر چیزی دلش می - خواهد حرف بزند در هر موردی به موجب ماده ۹۰ میتواند؟

رئیس - وقتی که با آقا اجازه دارم استدعا هم کردم که ماده ۹۰ را رعایت کنند

فرامرزی - اول ماده را بخوانید و بهیند طبق کدام قسمتش شما این اجازه می دهید حرف بزنند ثانیاً این آقایانی که می آیند صحبت میکنند درست مثل آن کسی میباید که در نماز حرف زد و این یکی گفت که نماز باطل شد آن یکی گفت نماز تو هم باطل شد وقتی همه مثل هم کردند که این لجنی که می خواهند رفع بشود رفع نمی شود گفتند در تهران علماء گفته اند رأی بدهند آیا گفتند چه کسی رأی بدهند

رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - بنده میخواستم استدعا بکنم از آقایان محترم آقای مشار یک بیانی کردند که خیلی بیان صحیحی بود ولی متأسفانه خودشان مراعات نکردند (فرامرزی - این ماده ۹۱ است) این ها خلاف مصالح مملکت است و مردم این مملکت راضی نیستند اینجا اینطور صحبت ها بشود

رئیس - رأی بصحت انتخابات...
شمس قنات آبادی - بقیه وقتشان را آقای زهری بپسند داورند که دفاع کنم
رئیس - احتیاجی نیست رأی میگیریم بصحت انتخابات آقای علی زهری افرادی که موافقت ورقه سفید بانام و اشخاصی که مخالفند ورقه کبود خواهند داد

میر اشرافی - آقای رئیس ماده ۹۰ حق من محفوظ است بنده باید ثابت کنم که امیر علانی خائن و جاسوس است
رئیس - خیلی خوب ثابت کنید عده حاضر فعلاً ۶۳ نفر
(اسامی آقایان نمایندگان بقرار ذیل بوسیله مهندس غروی (منشی) اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان: زیر گزاره ۰ دکتر ملکعی - انگیجی - میلانی - ناصر ذوالفقاری - بهادری - محمد حسین قشقائی - دکتر کیان - امامی - اهری - عبدالرحمن فرامرزی - افشار - گنجی - حمیدیه - مجتهدی - عامری - موسوی - خسرو فشقائی - میر اشرافی - صرافزاده - کریمی - قنات آبادی - مشار - مکی - صفائی - حاج سید جوادی - حائری زاده - دکتر فلسفی - اخگر - احمد فرامرزی - ناظرزاده - نبوی - معتمد دماوندی - مدرس - پارسا - اقبال - کهبند - ملک مدنی - دکتر طاهری - دکتر مصباحزاده - شاپوری - مهندس رضوی - شادلو - شوکتی - منصف - شهاب خسروانی - وکیل پور - ریگی - دکتر قهر شیرازی - پور سرریس - جلیلی - تولیت - امیر افشاری - افشار صادقی - دادور - رفیع - هدی - نریمان - شبستری - نخعی - اورنگ - دکتر فاخر غروی
(شماره آراء عمل آمده ۳۹ ورقه سفید موافق و چهار ورقه کبود و ۱۶ ورقه سفید بی اسم شماره شد)

رئیس - عده حاضرین هنگام اعلام رأی ۶۳ یا ۶۴ رأی موافق انتخاب آقای علی زهری تصویب شد ۱۶ نفر متمنع و ۴ نفر مخالف بودند.

اسامی موافقین: آقایان: مهندس زیرک زاده - مکی - میلانی - قنات آبادی - کریمی - نریمان - اخگر - انگیجی - مهندس غروی - ضیاء جوادی - وکیل پور - مدرس - مهندس رضوی - دکتر فلسفی - شوکتی - پارسا - شبستری - منصف - نبوی - مشار - گنجی - شادلو - شاپوری - دکتر مصباحزاده - اقبال - حائری زاده - ریگی - ذوالفقاری - محمد حسین قشقائی - امامی - اهری - دکتر ملکعی - موسوی - دکتر فاخر - ملک مدنی - امیر افشاری - نجفی فردوسی - خسرو قشقائی - کهبند - ناظرزاده.

اسامی مخالفین: آقایان: عامری - بهادری - میر اشرافی - تولیت
ورقه سفید بی اسم علامت امتناع - ۱۶ ورقه

۳ - طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع با انتخاب آقای دکتر طاهری از یزد دو خانم: مذاکره
رئیس - آقای خسرو قشقائی (آقای خسرو قشقائی گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنایید نمایندگی آقای دکتر طاهری را از یزد قرائت نمودند)
پرونده انتخابات یزد بنمایندگی آقای دکتر طاهری که با مخالفت آقایان حائری زاده و شمس قنات آبادی و زهری و مهندس

رضوی و شبستری بکمیسیون تحقیق ارجاع شده بود مورد رسیدگی قرار گرفت و اینک جریان کار بشرح زیر بعرض مجلس شورای ملی میرسد

جریان کلی انتخابات یزد نمایندگان آقای دکتر طاهری بشرح گزارش شماره ۲۰ از شعبه چهارم باستحضار آقایان نمایندگان محترم رسیده است

آقای مهندس رضوی یکی از مخالفین اعتراضات خود را بشرح ذیل باستحضار کمیسیون رساندند

در قرعه کشی برای اعزام امورین یزد تقلب شده است.

در ابتدای انتخابات یزد چند نفر بی گناه کشته شده اند.

قوای نظامی از خارج و لشکر کارد شاهنشاهی بیش از حد از یزد اعزام گردیده است.

فرماندار و رئیس شهر بانی در قتل مردم شریک بوده اند.

سیس متذکر شدند که مخالفت این جانب صرفاً بمنظور این است که آقای دکتر طاهری زمینه انتخاباتی در یزد ندارند و انتخاب ایشان صرفاً بواسطه روابط محکم اجتماعی و سیاسی است که از سالیان دراز در مرکز برای خودشان ذخیره کرده اند و متأسفانه مردم این ارتباط را متناسب بیک سیاست خارجی میدانند و در پایان تقاضا کردند کمیسیون تحقیق با نهایت دقت بیرونده انتخابات یزد رسیدگی نمایند.

آقای حائری زاده معترض دیگر در کمیسیون حضور یافتند و توضیح دادند در این دوره مردم امیدوار بودند که انتخابات در یک محیط آزاد انجام شود و بهمین منظور علماء که در هیچ دوره دخالت نمی کردند در این دوره وارد جریان شدند و آقای آیت الله کاشانی شخصی را بنام احمدی جهت امر انتخابات یزد فرستاد این شخص یک رشته سخنرانی انتخاباتی در یزد ایراد نمود و به مال اجنبی ضمن سخن رانی ها اشاره میکرد اگر چه صریحاً نامی از کسی نمیداد ولی تلویحاً گفتار خود را با شخص آقای دکتر طاهری تطبیق میکرد در نتیجه این جریان سخنران مورد بغض واقع میشود و روزیکه برای سخنرانی بمحلی میروند مورد حمله قرار گرفته و بالنتیجه فرار می کنند

روابط آقای دکتر طاهری با بعضی از مراکز خارجی بعد شیاع رسیده و ایشان یکی از عوامل قرارداد ۱۹۳۳ میباشد تنها کسیکه در موقع طرح قرارداد مزبور در مجلس پیشنهاد اصلاحی داده و پیشنهاد هم تصویب گردید. شخص آقای دکتر طاهری بوده اند و صورت مجالس آن زمان حاخکی از تأیید ادعای این جانب می باشد.
قرعه که همه جا کوراست در انتخابات

مأمورین یزد با چوبه بوده و باک رئیس شهریانی که چهارده سال در یزد بوده و فقط مدت ۶ ماه بکرمان منتقل شده بود برای ریاست شهر بانی یزد باقر عهده انتخاب شده در این فرقه کشتی آقای موفقی هم فرماندار شده نام در دروز های اول با مردم تماس گرفته و وعده میداده که انتخابات با نهایت آزادی انجام خواهد گرفت و مردم را این جریان خوشحال میشوند ولی در جریان عمل برخلاف گفته خود عمل نموده و همان صندوق سازهای سابق را جهت انجمن انتخابات تعیین مینماید من پیشنهاد کرده که در یزد ۹ نفر کاندیدا هستند هر کدام از آنها ۱۲ نفر معرفی کنند و انجمن مرکزی از بین آنها انتخاب گردد ولی فرماندار باین پیشنهاد وقتی نگذارد و بهمان ترتیبی که دستورش افتاد اقدام نمود در نتیجه مردم جهت اعتراض اجتماع میکنند و فرماندار هم مجدداً قول میدهد که بخواسته های آنها توجه کند در خلال این جریان یکی دیگر از کاندیدهای شهرستان یزد روزی را جهت سخنرانی در معملی تعیین مینماید در روز سخنرانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرانی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود جازو جنگال را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای سرابندی بمأمورین فوق العاده و آقای سرهنگ رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از ۱۰۸ نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبوده علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقیده من مصاحت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کند که امثال ایشان در مجلس نباشند و توضیحاً اینست که در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندین زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود ۲۵ هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از ۱۵۰ تجاوز نکرده است

پس از بیانات ایشان آقای شمس قنات آبادی مخالف دیگر آقای دکتر طاهری بیانات آقای حائری زاده را تأیید نمودند و گفتند اسولاً در یزد انتخاباتی انجام نشده اسناد و مدارک موجود در یزد ناهنجار است که دکتر طاهری در فرقه کشتی جهت انتخاب مأمورین دست داشته فرماندار طبق پیشنهاد آقای دکتر طاهری از فرقه کاندیدها مستند هر کدام از آنها ۱۲ نفر معرفی کنند و انجمن مرکزی از بین آنها انتخاب گردد ولی فرماندار باین پیشنهاد وقتی نگذارد و بهمان ترتیبی که دستورش افتاد اقدام نمود در نتیجه مردم جهت اعتراض اجتماع میکنند و فرماندار هم مجدداً قول میدهد که بخواسته های آنها توجه کند در خلال این جریان یکی دیگر از کاندیدهای شهرستان یزد روزی را جهت سخنرانی در معملی تعیین مینماید در روز سخنرانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرانی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود جازو جنگال را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای سرابندی بمأمورین فوق العاده و آقای سرهنگ رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از ۱۰۸ نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبوده علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقیده من مصاحت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کند که امثال ایشان در مجلس نباشند و توضیحاً اینست که در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندین زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود ۲۵ هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از ۱۵۰ تجاوز نکرده است

مذاکرات مجلس شورای ملی

تبعید کنند سرهنگ شریفی رئیس شهریانی مخوف د کتر طاهری بوده و چهارده سال در یزد سابقه خدمت داشته یک نفر برای فرماندهی ژاندارمری بطریق فرقه جهت یزد انتخاب میشود چون آقای دکتر طاهری مخالف ایشان بودند دیگری را بجای او معرفی کرده اند حتی فرمانده ژاندارمری باین موضوع اعتراض میکند و این جریان بطور وضوح در یزد منعکس است بازار تهمت و افترا و ایجاد ارباب در حوزه انتخابی یزد بعد از اعلام شیوع داشته و بهر کس که مخالف آنها بوده است تهمت توده ای و کمونیست میزدند

آقایان شبستری و زهری هم بغیر از بیانات آقایان فوق الذکر اظهاری نکردند

آقای دکتر طاهری منتخب مورد اعتراض در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از خلاصه بیانات معترضین توضیح دادند در دوام آقای حائری زاده نمیخواستند یزد وکیل داشته باشد و هر کس مدعی شهرستان یزد روزی را جهت سخنرانی در معملی تعیین مینماید در روز سخنرانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرانی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود جازو جنگال را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای سرابندی بمأمورین فوق العاده و آقای سرهنگ رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از ۱۰۸ نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبوده علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقیده من مصاحت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کند که امثال ایشان در مجلس نباشند و توضیحاً اینست که در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندین زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود ۲۵ هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از ۱۵۰ تجاوز نکرده است

پس از بیانات ایشان آقای شمس قنات آبادی مخالف دیگر آقای دکتر طاهری بیانات آقای حائری زاده را تأیید نمودند و گفتند اسولاً در یزد انتخاباتی انجام نشده اسناد و مدارک موجود در یزد ناهنجار است که دکتر طاهری در فرقه کشتی جهت انتخاب مأمورین دست داشته فرماندار طبق پیشنهاد آقای دکتر طاهری از فرقه کاندیدها مستند هر کدام از آنها ۱۲ نفر معرفی کنند و انجمن مرکزی از بین آنها انتخاب گردد ولی فرماندار باین پیشنهاد وقتی نگذارد و بهمان ترتیبی که دستورش افتاد اقدام نمود در نتیجه مردم جهت اعتراض اجتماع میکنند و فرماندار هم مجدداً قول میدهد که بخواسته های آنها توجه کند در خلال این جریان یکی دیگر از کاندیدهای شهرستان یزد روزی را جهت سخنرانی در معملی تعیین مینماید در روز سخنرانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرانی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود جازو جنگال را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای سرابندی بمأمورین فوق العاده و آقای سرهنگ رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از ۱۰۸ نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبوده علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقیده من مصاحت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کند که امثال ایشان در مجلس نباشند و توضیحاً اینست که در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندین زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود ۲۵ هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از ۱۵۰ تجاوز نکرده است

از یزد انتخاب نشود باید مثل دوره پانزدهم مرا حس کنند و صد هانفر را هم از یزد تبعید نمایند اعتراضات دیگر معترضین اصولاً قابل جواب نیست هر سستی را که بخواهند بهر کس میدهند و از بازار تهمت و افتراء سوء استفاده می کنند و اما اینکه آقای حائری زاده گفته اند در روز سخنرانی آسیبی به هیچک از مأمورین انتظامی وارد نشده این خودشان را اداره میکنند در یک هم چو فضائی است و قضیه قتل در تو فرقه تقریباً دو ماه قبل از موضوع انتخابات بوده است

پس از بیانات آقای دکتر طاهری آقایان صرافزاده و جلیلی دو نفر منتخب دیگر شهرستان یزد در کمیسیون حضور یافته و توضیحاتی در اطراف صحت انتخابات یزد دادند

کمیسیون تحقیق با توجه با اعتراض مخالفین و توضیحات آقای دکتر طاهری و منتخبین دیگر یزد و توجه بیرون د انتخابات و با ملاحظه باینکه انتخابات یزد تحت نظر آقای سرابندی که بصحت عمل و حسن نیت مشهورند انجام یافته و طبق محتویات پرونده عملی برخلاف قانون در انتخابات آنسامان خداریا شاکرند از شرم من مصون بودند من انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شعبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و نمایندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - جریان که راجع تصویب اعتبارنامه در مجلس اتخاذ شده است و قضاوت سیاسی که آقایان میفرمائید من باید از آن ۱۴ نفری که مخالف با نمایندگی من بودند گله کنم که چرا يك ۱۳ نفر دیگر با خود همراه نکرده اند که من را از این خدمت معاف کنند زیرا که رویه مجلس يك رویه ای است که برای شنیدن حرف حسابی و قانونی بصحت عمل مشهورند برای اینکه در اطراف رئیس شهریانی جای صحبتی باقی نباشد از مرکز آقای سرهنگ رفیعان که از مأمورین عالی رتبه و صحیح العمل و مورد اعتماد باشد و همین مناسبت در انتخابات تهران ایشان مأمور انتظامات بودند برای حفظ انتظامات یزد اعزام شدند اگر این آدم صندوق ساز بود پس و کلاهی تهران را هم بر خلاف حق از صندوق بیرون آورده است همانطور که تذکر داده در انتخاب مأمورین یزد اعمال نفوذ بعمل نمانده و بیانات معترضین مورد تکذیب این جانب است بهر صورتی که در یزد انتخابات بعمل آید این بنده وکیل مسلم و طبیعی آنجا هستم زیرا یزد به خدمت مرا فراموش نمیکنند و مرا همیشه وکیل خود می دانند اگر بخوانند

بزرگی که بیش سایر ایالات و استانها باشد که دهها رینجهزار را با مجبور باشند مطابق نظر او روند آراشان را در صندوق بریزند و چو وضعی وجود ندارد کسی که مالک يك دهه شد انگلی باشد انگشت شمار است آنهم مگر تازه پیدا شده باشد و می که مالک يك شده باشد يك دهی که دوست خانواده داشته باشد مالک عمده ندارد و خرده مالک است و انتخابات دوره ششم نماینده انتخاباتی در یزد معنی نداشت دسته هائی در یزد بود بعنوان اعتدال دموکرات تشکیلی میگردند این از طریق خارج میشد و به آنها افزوده میشد حالا موضوع کمونیست و توده ایجاد شده است هر کس با کسی مخالف است رقیبش را میگوید این کمونیست است اینهم توده ایست من یکرور حضور اعلی حضرت بودم راجع با انتخابات همین دوره از من پرسیدند من عرض کردم خدمتشان يك اشکال اساسی برای این قسمت هست فداکاریهائی من از او دیدم و از فامیل او هم شرمند هستم برای این فداکاری های مرحوم آقا سید محسن يك اشخاص خوب بودم دوستیشان را بعد از ۳۰ سال هم منظور نسبت بمن ادامه میدهند و من موفق شدم خدمتی باین مردم بیچاره مظلوم بکنم این دلیل خوبی آنهاست دلیل یأس آنهاست از حکومت مرکزی همینکه کسی با آنها دوستی داشته باشد و از شرش مصون باشند خداریا شاکرند از شرم من مصون بودند من انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شعبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و نمایندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - جریان که راجع تصویب اعتبارنامه در مجلس اتخاذ شده است و قضاوت سیاسی که آقایان میفرمائید من باید از آن ۱۴ نفری که مخالف با نمایندگی من بودند گله کنم که چرا يك ۱۳ نفر دیگر با خود همراه نکرده اند که من را از این خدمت معاف کنند زیرا که رویه مجلس يك رویه ای است که برای شنیدن حرف حسابی و قانونی بصحت عمل مشهورند برای اینکه در اطراف رئیس شهریانی جای صحبتی باقی نباشد از مرکز آقای سرهنگ رفیعان که از مأمورین عالی رتبه و صحیح العمل و مورد اعتماد باشد و همین مناسبت در انتخابات تهران ایشان مأمور انتظامات بودند برای حفظ انتظامات یزد اعزام شدند اگر این آدم صندوق ساز بود پس و کلاهی تهران را هم بر خلاف حق از صندوق بیرون آورده است همانطور که تذکر داده در انتخاب مأمورین یزد اعمال نفوذ بعمل نمانده و بیانات معترضین مورد تکذیب این جانب است بهر صورتی که در یزد انتخابات بعمل آید این بنده وکیل مسلم و طبیعی آنجا هستم زیرا یزد به خدمت مرا فراموش نمیکنند و مرا همیشه وکیل خود می دانند اگر بخوانند

اشخاص برای اینکه رقیب خودشان را از بین ببرند هر روز يك اسمی درست میکردند در زمان ناصرالدین شاه چون يك تیری بنام صرافزاده انداخته بودند بسته بودند باینها اینهم بایی است همینقدر کافی بود برای کوپیدن او این بدبخت هم فرار میکرد و در بدر میشد و رقبیش فاتح و مظفر و منصور او هم چون میدید بین مسلمانها راهی ندارد اینها تحریش میکنند و آنها هم تحییبش میگردند این از طریق خارج میشد و به آنها افزوده میشد حالا موضوع کمونیست و توده ایجاد شده است هر کس با کسی مخالف است رقیبش را میگوید این کمونیست است اینهم توده ایست من یکرور حضور اعلی حضرت بودم راجع با انتخابات همین دوره از من پرسیدند من عرض کردم خدمتشان يك اشکال اساسی برای این قسمت هست فداکاریهائی من از او دیدم و از فامیل او هم شرمند هستم برای این فداکاری های مرحوم آقا سید محسن يك اشخاص خوب بودم دوستیشان را بعد از ۳۰ سال هم منظور نسبت بمن ادامه میدهند و من موفق شدم خدمتی باین مردم بیچاره مظلوم بکنم این دلیل خوبی آنهاست دلیل یأس آنهاست از حکومت مرکزی همینکه کسی با آنها دوستی داشته باشد و از شرش مصون باشند خداریا شاکرند از شرم من مصون بودند من انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شعبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و نمایندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - جریان که راجع تصویب اعتبارنامه در مجلس اتخاذ شده است و قضاوت سیاسی که آقایان میفرمائید من باید از آن ۱۴ نفری که مخالف با نمایندگی من بودند گله کنم که چرا يك ۱۳ نفر دیگر با خود همراه نکرده اند که من را از این خدمت معاف کنند زیرا که رویه مجلس يك رویه ای است که برای شنیدن حرف حسابی و قانونی بصحت عمل مشهورند برای اینکه در اطراف رئیس شهریانی جای صحبتی باقی نباشد از مرکز آقای سرهنگ رفیعان که از مأمورین عالی رتبه و صحیح العمل و مورد اعتماد باشد و همین مناسبت در انتخابات تهران ایشان مأمور انتظامات بودند برای حفظ انتظامات یزد اعزام شدند اگر این آدم صندوق ساز بود پس و کلاهی تهران را هم بر خلاف حق از صندوق بیرون آورده است همانطور که تذکر داده در انتخاب مأمورین یزد اعمال نفوذ بعمل نمانده و بیانات معترضین مورد تکذیب این جانب است بهر صورتی که در یزد انتخابات بعمل آید این بنده وکیل مسلم و طبیعی آنجا هستم زیرا یزد به خدمت مرا فراموش نمیکنند و مرا همیشه وکیل خود می دانند اگر بخوانند

دکتر یزدی او وعده داده بود که شما تشکیلاتی بدهید من شر آقای دکتر طاهری را از سر شما می کنم آقایان نرفته بودند آنجا تشکیلاتی داده بودند با حزب اراده ملی مبارزه کردند و اینکه آقای صرافزاده می فرمایند صحیح است حزب توده با اینکه يك حزب حلق الساعه ای بود خیلی قوی بود در ظرف یکی دو ماه تمام یزد را گرفت تا حکومت قوام السلطنه که وزیران حزب توده را کنار گذاشت و حزب دمکرات قوتی پیدا کرد و جناب دکتر طاهری را هم که اینجا مورد سوء ظن شده بود توقیف کرد یزدیها خودشان حزب توده را دافغان کردند و رفتند بجزب دمکرات (معتمد دماوندی - شما رفتید ؟) من برای تشکیلات حزب دمکرات به یزد نرفتم مبارزه شدیدی را که کردند خدمت اعلی حضرت عرض کردم و ضمناً عرض کردم شما نواب را می شناسید این توده ای است ؟ فرمودند نه گفتیم اینها دسته ضد ظالمند ظالم وقتی ب مردم تعدی می کند مردم میخوانند دور یک نقطه ای جمع شوند هر کس جواب شکایت آنها را بدهد مرید او هستند در مردم مذهبی خرده مالک ولی ثابت قدم یزد ممکن نیست روح کمونیزم نفوذ پیدا بکند هر چه خواسته باشند و تبلیغ بکنند ممکن نیست برای اینکه هر کدامشان از خودشان یک قطعه زمینی دارند یک نره آبی دارند يك زراعتی دارند يك خانه مسکونی دارند ده یکشان اگر بی خانه باشند آنهم در نتیجه این چند تا کار خانجاتی است که در یزد درست کرده اند و حالا دارد یک عمده ای را بدبخت می کند و حالا با حال اینجور نبوده است يك مردم مذهبی ثابت قدم همیشه بر ضد فشار و زور و کسرا احتمال میداده اند که يك کسی بشکایت و ناله آنها اثر میدهم قیام میکرده اند در آن ادوار گذشته چون مایوس بودند که بدون اراده مرکز خودشان نمی توانند تصمیم بگیرند هر چه نظر حکومت مرکزی بود مأمورین محلی همان را اجرامی کردند در این دوره حکومت دکتر مصدق وجدیت آیت الله کاشانی و تبلیغاتی که مبلغین ایشان در اطراف کردند مردم احتمال دادند که این آزادی راست است بعضی جا ها هم نتیجه رسید و مثلاً در قزوین در سایه آزادی بود که این دو شخص محترم انتخاب شدند و حالا اینها نه ده داشتند نه پول داشتند نه زندگی داشتند چون نزدیک تهران بود از آزادی استفاده کردند و مردم قزوین دوفتری را که بهشان علاقه داشتند انتخاب کردند و فرستادند باینجا یزدیها هم باور کردند که این حرفها صحیح است علماء و طبقات مذهبی که هیچوقت و هیچ دوره در انتخابات شرکت نمیکردند در این دوره مجهز شدند (صرافزاده - علمای یزد دخالت نکردند) زنگ رئیس

رئیس - آقای صرافزاده در صحبت

اسماک بفرمائید

حائری زاده - آقایان علماء واعظین ، طلاب طبقات ائمه این ها که جنبه پیشوای بعضی مردم دارند قیام کردند همه متحد بودند که آقای دکتر طاهری که من در اطراف شخص ایشان بعد صحبتش خواهم کرد جنبه منفی داشتند در جنبه مثبت عادت داشتند که از مکر نظری ایشان داده بشود کراراً تلگراف میگردند که شما کاندیدتان کیست من گفته هر کس که مردم بهش عقیده دارند او کاندید من است برای من فرقی نمیکنند همین صراف زاده را وقتی صحبت شد گفتم که شما وقتی جزو دسته تویید دکتر طاهری نباشد من مخالف نیستم که شما انتخاب شوید چون صرافزاده يك آدمی است که جوانمردیهای درزند گانیش کرده من از این حیث خیلی بهش علاقه دارم از روزی که آقا سید ضیاء الدین آمده است باین شهر و دوستی با آقا سید ضیاء الدین پیدا کرده خانه وزندگی و پولش را در اختیار او گذاشته و وسائل زندگیش را فراهم کرده و هیچ ازدوستیش کم نشده اینجور اشخاص کم پیدا میشوند این آدم دوستیش قیمت دارد در دوستی ثابت قدم است آقای صرافزاده موقعیکه من را در مجلس برده بودند آمدند در مجلس بدین من و از من پرسید که کاری داری گفتم خانه من را باین پول لازم دارند خرجی دارند بانه يك مبلغی بخانه ما داده است که من تاحال نتوانستم قرضم را ادا کنم این یک مرد جوانمرد است ولی جوانمردی غیر از این است که فلانکس سفارت چین هم خوبست هر کسی را برای يك کاری ساخته اند من یقین دارم که این وکالت برای او ضرر دارد (امامی اهری - با این سابق چطور با او مخالفت میکنید) حالا که نوبت آقای صرافزاده نیست نوبت آقای دکتر طاهری است بعد که نوبت ایشان رسید عرض میکنم این صفتی که تشکیل شده بود صف مخالف باد کتر طاهری بود حالا چرا با او مخالفت کردند جناب دکتر طاهری در زند گانیش يك آدمی است خیلی وقت شناس موقعیکه ایشان مدرسه تشریف می بردند با همین نواب در مدرسه بودند خیلی باهم دوست و رفیق بودند پدر ایشان مرحوم حکیم باشی هم وقتی وفات کرده مرحوم ایشان در آن موقع سنشان ۱۶ یا ۱۷ سال بود اینها مطابق معمول امروز که هر کس متصدی کسی شغلی و امانتی بود میبردند او را در همان کرسی پس از ختم پدرش می نشانند همین نواب و کسانش ایشان را روی همان کرسی نشانیدند و احترام کردند و يك لقب شیخ الرئیس هم بایشان دادند تا اینکه شدند دکتر طاهری امروز باین نواب سالها دوست بودند و نواب نسبت به دوستانش خیلی فداکار است و در دوستی جنبه

افراط دارد اما وقتی که حزب دموکرات یزد رونق گرفت چون فواید حزب دموکرات داشت پیدامیشد ایشان علاقه پیدا کردند که از دوستی نواب قطع رابطه کنند و جزء دسته دموکراتوار شوند. مراد آقایان آن روز خیلی پارک بین و سنگین بودند - حوزه‌های مهدوی بود اشخاص را تا اعتماد و اطمینان کامل بقول و اعمالشان نداشتند. پس وقت ایشان برای آنکه مدال بکنند و وفادار به حزب دموکرات آنروز هستند روابط خودشان را با آقای نواب قطع کرده و یک رفتارهایی با نواب کردند که باید از خود نواب بی‌سرمه و کیل نواب بی‌سرمه در هر صورت امروز دود و قطب مخالفند در دوره چهارم که من آمدم تهران و در یزد نبودم تشکلات دموکرات را ایشان خیلی توسعه دادند در آنجا نواب عدای را که از دوست سبقت نرفت تجاوز نمیکرد و با ایمان و عقیده فعالیت میکردند رساندنش بدوسه هزار نفر و از میان ریش سفیدها کدخداهای مفتخورهای آن روز و دزد دغنها که همه آنها لباس دموکرات پوشیدند و آمدم برای انتخاب دوره پنجم ایشان و کیل شدند و موفق شدند آمدند به مجلس حالا آن رفقای دموکرات که آنروز قیوایشان کرده بودند چه شد که یک صف مخالف تشکیل میدهند تاریخ را نمی‌خواهم من تکرار کنم خلاصه ایشان تشریف آوردند تهران. یک عوزادای ایشان دارند که همه آقایان نمایندگانی می‌شناسند ایشان را آقای دکتر صحت بسیار آدم زورف و هوربانی است رئیس مریضخانه فیروز آبادی است ممکن است من از او که داشته باشم اولای تهران ازش که داشته باشد ولی یزدی‌ها هم کدام آمده اند این‌جا نسبت به کدام از آنها محبت و کومک کرده خوب آقای دکتر طاهری که دانی زاده ایشان بود بطریق اولی در نتیجه خویشی و ارتباطی که با دکتر صحت داشت دکتر صحت آن روز در دستگاه محمد حسن میرزای ولیعهد بوده و ایشان هم در مجلس بودند و همان مجلسی که آقای اخگر هم تشریف داشتند بهر صورت رفتاری ایشان با دکتر صحت کردند که خود دکتر صحت هم از ایشان که دارد و من و کیل در کثیر صحت نیست که در اطراف این موضوع صحبت بکنم رفتار ایشان و کار ایشان در تهران این بود این دکتر صحت آنهم دموکرات‌ها، آنروز ایشان قدرت روز را خوب تشخیص میدهند و می‌توانند با آن قدرت خیلی زود تماس بگیرند و همکاری بکنند و شکلی رفتار بکنند که جزو عوامل آن قدرت بشوند دنبال این جریان و حوادث کودتا کم کم قوی شد آن بازی های جمهوری و سلطنت و این‌ها کم کم خاتمه یافت و یک دیکتاتوری سخت و محکمی

در ایران باید شد ایشان با آن دستگاه دیکتاتوری بودند و در تمام دوره‌های مجلس تشریف داشتند حالا اگر در دوره گذشته صحبتی بکنند و با این دوره ممکن است صحبتی نکنند ولی در دوره‌های سابق خیلی فرمایش میکردند در دوره دیکتاتوری او ای که به مجلس می‌آمد شما بنطقه‌های آنروز مراجعه بکنید مسکن و رویه وضعیت ایشان خوب روشن میشود من نباید زیاد در اطراف این موضوع توضیح بدهم هر جا یک لایحه حساسی بوده ایشان گرفته یک حاشیه اگر دیگری برای اینکه در این کار وارد شده باشند و خودی نشان داده باشند بر آن زده‌اند و اینکار را حتی درباره قرارداد ۱۹۳۲ که هیچ ناطقی در آن دوره نطقی نکرده است جز ایشان یک اصلاحی کرده این وضع جریان ایشان بوده تا موقعی که قدرت دیکتاتوری شاه سابق در این مملکت برقرار بوده بعد از آن موقع ایران اقتدار بدست قشون خارجی انگلیس و روس امریکا یک هرج و مرجی در ایران شد این مرکز نیرو و قدرت سفارت انگلستان شد اینها هم ملعبه این دستگاه شدند در آن موقع بنده در مجلس نبودم و این افتخار را نداشتم که نمایندگی آن دوره‌ها را پیدا بکنم و بنام در مجلس ایشان در مجلس تشریف داشتند رفقا و همکارهای آن دوره - ایشان که صحبت میکنند جریان کار چنین بود است که در مسائل مهم تا یک (سندازی) با مقامات خارجی نمیکردند انتخاب تمام در مجلس نمیکرد همکارهایشان هستند که میکوبند کنار او گفته اند خواسته باشید برسد از شان از آنها می‌گردد دوره بعد از واقعه شهریور در مجلس و کیل بوده اند میگفتند که این کلمه (سنداز) را ما نمی‌فهمیدیم که چیست و عقیده رفیق محترم ما چیست خوب وقتی که یک نماینده ای معتقد شد که از قوامی مریز برای نمایندگی مستقیم میشود دیگر کاری بر دم و شاکو و مظلوم و بیچاره محل ندارد فقط یک عده قلیلی که از اقارب او باشند آنها در تمام کارها مشیر و مشار میشوند اگر یک شورای فرهنگی در یزد بنا بود تشکیل بشود با اینکه عده زیادی لیسانس و دکتر در یزد هستند که اگر نسبت به جمعیت حساب بکنیم از سایر نقاط بیشتر نباشد کمتر نیست چون یزدیها در کارهای علمی پشتکارشان خوب است چه در موقعی هم که حوزه های علمی خیلی مهم بود علمای بزرگی امثال فاضل اردکانی و سید محمد کاظم یزدی و فیروز آبادی بودند حالا هم که قسمتهای اجتماعی فرهنگی توسعه پیدا کرده است اگر به احصائیه دانشگاه مراجعه بکنیم می بینیم به تناسب جمعیتشان یزدیها اگر بیشتر دکتر بیرون نداده باشند کمتر نداده اند

مذاکرات مجلس شورای ملی

در یزد هم دکتر لیسانس زیادند و چون خیلی علاقه دارند که روند به خانه خودشان و برای خانه خودشان یک دست و پائی بکنند که بروند آنجا و بمحل خودشان خدمتی بکنند با بودن عده زیادی دکتر و لیسانس در این کارهای اجتماعی فلان کسی که یک قرابت سببی غرضاً با دکتر داشته و بفرمایش آقای فرامرزی سوادش هم از من کمتر بود در آن موقع اوعضو شورای فرهنگی میشد. ولی آن دکتر و لیسانسه نباشد و کسی او را بیازی نمی گرفته خوب این مسائل ایجاد عدم رضایت و خستگی ناراضیتی در مردم می کرده است البته چون حزبی بود و یک صف منظمی تشکیل می شده حالا خواسته‌اند جناب دکتر بروند و راحت بکنند سالها خدمت می‌کنند به این مملکت یا بخودشان عجاله راحت بکنند این فکر برای یزدیها پیدا شده مگر یک عده خیلی قلیلی که منتفع میشدند از این درخت بارور که کمیل داشته‌اند که این درخت باشد و در سایه‌اش زندگی بکنند این هاعدمشان به ۳۰۰ یا ۳۵۰ نفر نمی رسد مسلم بدانید این موقعیتی بوده است که جناب دکتر در یزد داشته‌آه‌هم که رفتار و اخلاق ایشان بوده است که در جریان عمل داشته‌اند در مجلس اینهم وضع و رویه مردم آنجاست حالا هم در انتخابات به بنیم چه پیش آمده یک شخصی را من پس از مراجعت از یزد زیارت کردم و بیشتر هم ایشان را ندیده بودم و حالاً هم اسم کوچک او را درست نمی دانم اسمش احمدی است (صراف - زاده - محمد است)

رئیس - آقای صراف زاده بگذارد که مبین بیان بکنند بفرمایند آقا

حائز زاده - من ممنونم از ایشان که بمن کومک فرمودند.

رئیس - شاحرفقان را بزیند آقای حائری زاده

حائری زاده - شما بگذردی کمتر تند اداره بفرمایند اداره بفرمایند مجلس را من حرف‌ها میزنم

رئیس - من با این تندی هم که اداره میکنم مجلس را شما اداره نمیشوید بفرمایند آقا (خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروند به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگمارید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اورادعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجزایان امور اجتماعی هم صحبت کنند و بروند بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجزیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقا بکده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزنند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدند تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب دکتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقایش که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجناب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارحاب و تهدید و اینها درست در نمیآید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییرشان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می مردم یزد و فامیل او، او را پسندیده بودند و اطراف او گرفته بودند و محیط آنجا یک شکلی شده بود که آن دکتر با اینکه خودش که آنها نسبت بمأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسبتر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای بیزد رفت که ۱۴ سال در یزد بوده (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروند به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگمارید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اورادعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجزایان امور اجتماعی هم صحبت کنند و بروند بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجزیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقا بکده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزنند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدند تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب دکتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقایش که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجناب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارحاب و تهدید و اینها درست در نمیآید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییرشان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می مردم یزد و فامیل او، او را پسندیده بودند و اطراف او گرفته بودند و محیط آنجا یک شکلی شده بود که آن دکتر با اینکه خودش که آنها نسبت بمأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسبتر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای بیزد رفت که ۱۴ سال در یزد بوده (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروند به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگمارید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

یت محیطی بود که نسبت با این جناب دکتر خیلی مخالف بود این جریان و مبارزه در آنجا ادامه داشت این جناب فرماندار که رفته بود یزد در آن میتینگها و کنفرانسهای که میدادند دعوتش کرده بودند و از او قول گرفته بودند که یک نفر از این اشخاصی که در این ادوار شانزده گانه متصدی انتخابات بوده‌اند دعوت نکنی اینها عادت کرده‌اند بصندوقسازی و تقلب تواریک اشخاص نوری را برای اینکار دعوت بکن آنهم قول داده بود با آنها که همان رویه را عمل کنند من در تهران برای اینکه میخواستم بطور مسالمت اینکار خاتمه پیدا بکنم یک طرفه بخاطر آمدن تلگراف کردم که سواد تلگراف در تلگرافخانه هست با آن فرماندار مستقیم و بوسیله نواب غیر مستقیم تلگراف کردم که کاندیدهای یزد تقریباً ۹ نفرند شما تازه وارد یزد شده‌اید ، ۱۰۸ نفر افراد طرف اعتماد محل را که نمی توانید درست تشخیص بدهید ، خوب است که هر یک از آنها ۱۲ نفر پیشنهاد کنند و ۱۰۸ نفر که منتخب این ۹ نفر هست و طرف اعتماد این ۹ نفر هست دعوت بکنی باقرعه مانده‌ام و آمده‌ام و درست بروحیه مردم آشنا نیستم ، فامیل‌ها رامن از قدیم میشناسم فامیل های مرشد یک فامیل‌های محکم محترم و آبرومندی هستند که خدماتی هم بیزدی‌ها از نظر اقتصادی کرده‌اند. و آنها هم یک نفر از نمایانان دکتر مراد د کتری است تحصیل کرده، خارج ایران رفته خیلی طرف توجه شان بود. من مخالف بودم با کاندید بودن او برادرش گفتم، بخودش آمد گفتم که صلاح نیست که بیائی در سیاست همین کار طبابت را داشته باش برادر شما ، برادر بزرگت دارستان است در خراسان او در سیاست هم واردتر از تو است من با برادرت موافقم ولی خودت با این دلیل که تو وجود از طریق طبابت بیشتر بدرد مملکت میخویرد، بهتر است که طبابت بکنی و مردم از وجودت استفاده بکنند و وارد سیاست نشوی ولی انتخاباتی روز بعد از اینکه اجازه گرفته بودند دوروز بعد از اجازه کنفرانس که گرفته بودند دعوتی شده است از ۱۰۸ نفری که اینها مال یک تپ و طبقه هستند شهر هم مثل تهران نیست که اشخاص هم دیگر را برود با آقای صراف زاده، با آقای جلیلی، با دیگر سازش بکنند، این جنک وجدال کاری را خاتمه بدهند، گفت نمی‌شود، اگر آقایان در صف آقای طاهری وارد نشده بودند خیلی خوب باشد دیگر همکاری میکردیم (جلیلی- آقا بنسرا که می‌خواست، خودتان که می‌دانید) ولی چون اینها در صف دکتر طاهری وارد شده‌اند و در مجلس اینها را در صف دکتر طاهری شناخته‌اند ما نمیتوانیم با ایشان همکاری بکنیم. حالا این وضعیت را علماء ایجاد کرده بودند، پیشنهادها ایجاد کرده بودند و بیشتر از اینجا کردم بودم، هر چه بود

شهرستان گویا همه نمایندگانی را که در شوراهای قبل و بعد دعوت میشدند دعوت نکرده بودند آنها می که طرف اعتمادشان بوده‌اند دعوت کرده‌اند که موافق آنها نظر بدهند این جمله راه باید بماند آقایان، که یزد یک مرکز فرهنگی نیست ، یزد یک قوای انتظامی که همان شهر بانی و چند مأمور که شهرستان را تمیز بکنند و چند تا ژاندارم بیشتر ندارند و هیچ وقت هم جنک وجدالی نیست . این مردم یزد یک مردم صلح طلبی هستند . در عرض سالهای متمادی یک شرارت مسلحی که این یزدیها کرده باشند مادر نظر نداریم . اگر آنجا شرارتی و غارتی چیزی شده است در نتیجه دستجات سارقینی بوده که از خارج یزد آمده‌اند در خاک یزد آنجا یک سرقتی کرده‌اند، چپاولی کرده‌اند و تعدی کرده‌اند و رفته‌اند حتی من خاطر هست که شاهزاده شهاب الدوله اسدالله میرزا که فرماندار یزد بود در آن موقع مردم مسلحه نداشتند که اگر یک روزی بیک آبادی حمله می‌کنند ، دفاع بکنند . این فرستاده مالکین و صاحبان آبادی گفت که شما باید تفنگ داشته باشید و مسلحه بخیرید باید مطابق استعدادی که دارید تفنگ بخیرید در محل باشد که اگر یک دسته سارق با آبادی حمله بکنند آنجا حق و توقی بکنید که سارقین بترسند و نیایند توی آبادی . مردم کرامت داشتند، میگفتند بودن تفنگ در آبادی ما خوب نیست یک وقت ممکن است یک بچه سوء استفاده کند یک جنایتی اتفاق بیفتد و مردم یزد بقدری صلح طلب و مردمان سالمی هستند که اهل این حرفها نیستند . و در این مورد یک دسته قوای انتظامی از اصفهان خواستند برای یزد . اگر انتخاباتی باید آزاد باشد مردم با امنیت و آزادی بروند پای صندوق ها را ایشان را بدهند . قوای نظامی چکار دارد آنجا ؟ فرماندار بیش از آنکه این ۱۰۸ نفر را دعوت کند تنها توی کوچه‌ها راه میافتاده توی مساجد و اجتماعات میآمده ، هیچکس با او حرف نمیزده ولی پس از دعوت این ۱۰۸ نفر چون خیانت کرده بوده اطمینان نداشته ، هر وقت حرکت میکرد باید یک دسته قوای نظامی جلوش و عقبش آنجا حرکت بکنند تا برود مثلاً یک روز مجلس ختمی بوده و مجبور بوده برود باین ختم ، در مجلس ختم به قدری از فرماندار انتقاد کردند مردم یزد که دیگر جرأت بیرون آمدن را نکرده است

رئیس - آقای حائری زاده هفت دقیقه هم میشناسد ، مردم تجمع میکنند برادراره حکومتی که این اشخاص را شامچا در نظر گرفتند؟ عکسهای آنروز هست . آن کیف مرا بیورید ، عکسهای هست که طبقاتی از اصناف مختلف از تجار ، علماء ، واعظین جمع میشوند میروند بطرف اداره حکومتی و اظهار تنفر میکنند از تصمیمی که بنام شورای شهرستان برای دعوت ۱۰۸ نفر گرفته شده این نکته هم نگفته ماند که رئیس شورای

حائری زاده - ایشان خودشان می خواهند نوبشان را استفاده کنند ، من حرفم با این زودی تمام نمیشود . یک همچو مردم صلح طلبی میخواستند بروند که بجناب فرماندار بگویند چرا این ۱۰۸ نفر را دعوت کردید؟ در این عکس نشان داده میشوند که اینها چاقو کش و اینها هستند یا همه شان مردمان کاسب ، تا بر زاهد عابد ، مردمان حسابی هستند و این قوای انتظامی صف بسته جلو اینها و نمیگذارند اصلاً بروند مطلبشان را بگویند ، از عکسهای که فرستاده بودند این دورقه‌اش پهلوی من مانده است آقایان هر کدام میل دارند میتوانند ملاحظه بکنند در یک همچو محیط وحشت و ترور و اربابی جلوی مردم را گرفته‌اند . در صورتیکه انتخاب حق مردم است قوای انتظامی حافظ یک نفر مأموری که از تهران برای صندوق سازی رفته بوده و یا از تهران برای صندوق سازی رفته بوده و در یزد مزدور آن هائی که میخواستند صندوق بسازند شده . حالا یزدیها یک حرفهایی میزنند که بنده چون سند و مستند و دلیل چیزی ندارم نقل نمیکم ولی خودشان از قاموشماره‌هایی ذکر میکنند که جناب صراف زاده لابد بهتر اطلاع دارند (صراف زاده - بنده اطلاعی ندارم ، بفرمائید نکردم) در یک همچو محیطی مردم اعتراض میکنند . فرماندار می‌بیند که خوب همه مردم مخالف این جریان هستند میگوید که من تجدید جلسه میکنم و تجدید نظری میکنم در این کار ، آقایان در تلگرافخانه متحصن میشوند ، آن آقایانی که میخواستند و کیل بشوند با آن فرماندار رئیس نظمی‌ای که مزدور خودشان بوده می‌بینند این مردم با این افسار گسیختگی و این امید آزادی که در مرکز به آنها داده‌اند، ممکن نیست که مطابق میل و مرام و رویه‌ای که ما داریم مثل ادوار گذشته کشید دماغ اینها را سوزاند . آن روز جمعی که قرار بوده یک میتینگ کنفرانسی در این موضوع داده بشود، میتینگ ساعت ۵ و ۶ بعد از ظهر قرار بود، شروع شود که آفتاب یک قدری پائین تر باشد که مردم رنج و عذاب نداشته باشند و ناطقین بتوانند صحبت بکنند . جلوتر طبق معمول همه‌جا یک بلند گوئی در شهر بجزایان میافتد و مردم را دعوت میکنند به میتینگ و این بلند گو میروند در مسجد مصلی برای نصب میبرندش آنجا از صبح قوای انتظامی محل که عبارت از پلیس و ژاندارم و نظامیهای اعزامی از اصفهان برای آزادی انتخابات رفته بودند به یزد اینها آن حول وحوش را تقریباً نیمه محاصره می‌کنند که در مسجد اجتماعات مختصری که شده بوده و هنوز شروع نشده.

جلسه ۱۳

بوده بکار و بلند گو را مشغول نصبش کرده اند يك افسر پلیسی که اسمش رامین فراموش کرده‌ام. آقا لابد اسمش را بهتر میدانند این افسر پلیس می‌رود کسی را که مردم را دعوت می‌کند از پشت بلندگو پی‌آورد باین (فئات آبادی - سروان نامی) به سروان کاملی که این سروان برای این رفتارش بعد يك رتبه‌ای هم گرفته. نمایانم چیست. این جناب سروان تشریف می‌برند تنها و این شخص را هم مردم را دعوت می‌کند سانهش میشود از نصب بلندگو حتی باسعه او را تهدید میکند. در نتیجه آقا این دوسیه را بیاورید اینجا که من باید از روی آن نگاه کنم. این جناب سروان از عقب بآن شخصی که بلندگو را نصب می‌نموده حمله میکند يك سمانی که اهل رفسنجان بوده است. يك آدم نقاشی که رنگ بدو دیوار می‌زند يك آدم کاسبی که اهل اسلحه نبوده. اهل شرارت نبوده او برای اینکه در مسجد خدا يك جنابیت اتفاق نیفتد و این جناب سروان نزنند این شخص را از پشت این را می‌گیرد و میرود پشت مسجد و لش می‌کند می‌گوید اینجا مسجد است برو بی کارت وقتی بر می‌گردد آن آقای سروان آن شخص یعنی آن قاش را با گلوله می‌زند و به نظامی‌هایی که آنجا بودند وقوای مسلح دیگر دستور زدن می‌دهد که مردم را بزنید. یکی از آن سربازهای وظیفه می‌گوید ما دستور زدن نداریم. آن جناب سروان بدست مبارک خودشان گلوله‌ای بغز او می‌زند، او را هم می‌کشد.

رئیس - آقای حائری زاده یک قدری تأمل بکنید یک ساعت شما بسر آمد، حالا از آقایان کی شما توبه می‌دهد بفرمائید گرچه مطابق آئین نامه توبه قابل انتقال نیست. یک ساعت هم سر آمد حالا هر چه که خودتان بهتر از من میدانید بفرمائید عمل کنیم.

حائری زاده - من حرفم تمام نشده آقایان اگر اجازه می‌دهند بنده عرایضم را بکنم.

رئیس - اجازه‌اش با من نیست **یکی از نمایندگان** - چرا وقت را تلف می‌کنید که بعد رأی بخواهید. این جریان مجلس است باید ادامه پیدا کند.

رئیس - آقای حائری زاده حالا ممکنست دیگران صحبت بکنند بعداً شما صحبت بکنید.

حائری زاده - صبح پنجشنبه هم اگر آقایان وقت بدهند من حاضرم بقیه مطالب را بگویم.

میر اشرفی - آقای رئیس شما جلسه فوق العاده بکنید. این کار تمام شود.

رئیس - می‌کنیم **حائری زاده** - من حرفم تمام نشده

من نظم تمام نشده، من مقدمه راعرض کردم هنوز ذی‌المقدمه‌اش راعرض نکرده‌ام آقایان شما که رأی می‌دهید.

بگذارید لافلاقی من در دلد مردم را این جا بگویم (فرامیزی - مردم بدبخت تلکراف کرده‌اند بتوفیقش داده‌اند تومدافع مردم بدبخت هستی ؟) همانهایی که بمن فحش داده‌اند قدمشان بدیده من من مدافع همان بدبخت‌ها هستم حالا وقتی عده کافی شد من نظم تمام نشده تقاضای تکمیل نطق خودم را می‌کنم.

رئیس - آقای فئات آبادی **فئات آبادی** - بنده در کمیسیون تحقیق يك نکته‌ای را بر عرض آقایان نمایندگان اعضای کمیسیون تحقیق رساندم که دلم می‌خواست در گزارش کمیسیون تحقیق آن نکته در مجلس شورای ملی منعکس می‌شد و آن نکته این بود که اساساً در بزدا انتخاباتی شده است و آوردن گزارش بنام انتخاباتی یزد ابتدا با تحقیق وفق نمی‌دهد مطابق قاعده در ایران و در همه جای دنیا و در کشورهای مترقی وقتی می‌گویند انتخابات یعنی مردمی بکنند و مردم استفاده بکنند و نظر خود را نسبت به کسیکه نماینده آنهاست ابراز بدارند (صراف زاده - مثل انتخابات شاهرود) به قربان خدمت‌تان عرض کنم من بی‌نیاهیت متشکر می‌شوم از شما و آقای دکتر طاهری و آن آقایانی که از دکتر طاهری دفاع میکنند و باورای می‌دهند زحمت بکشند برای دو ساعت تشریف ببرید یزد و بروید شاهرود (یکی از نمایندگان - دو ساعت نمی‌شود رفت) دو ساعت در شاهرود توقف بکنید و جریان انتخابات آنجا را نه از اشرف، از قصاب شاهرودی از بقال شاهرودی بپرسید، نمی‌گویم بروید با طبقه اشرف تماش بگریید بروید از مردم، توده حقیقی شاهرود بپرسید آن وقت خود شما تصدیق خواهید فرمود که در شاهرود انتخابات آزاد بوده یا نبوده. برای اینکه انتخابات بشود لازم است وسایل انتخابات در اختیار مردم گذاشته شود وسایل انتخابات چیست ؟ يك فرماندار با شرف يك رئیس شهربانی غیر مزدور، يك رئیس ژاندارمری آدم نکش، آنها بروند يك جای دعوت بکنند از آن کسانی که مورد اعتماد مردمند بنام انجمن نظار و آنها بنشینند و اعلام بکنند و مردم بگویند مردم بی‌نیایند بدهید. حالا اگر اینطور نشده باشد، یعنی فرماندار سفارشی باشد، رئیس شهربانیم از دست پرورده‌های جناب آقای دکتر طاهری باشد، الان قرعه در قرعه هم قرعه در قرعه که چیست؟ اینها رفته باشند آنجا، از قدم اول يك آدم با وجدان می‌تواند بگوید مقدمات صحیحی برای انتخابات شده یا نشده؟ البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق می‌فرمائید از

مقدمه غلط نتیجه صحیح نمی‌توان گرفت. رئیس شهربانی یزد که افتخار جلادی مردم یزد را داشته و افتخار اینرا داشته که خوب برای اینکه انتصابات آنجا صورت عمل بخودش بگیرد مردم را ترور کرده است که ۱۴ سال از قبل از شهربور و به نواز شهربور در ظل عنایت د کتر طاهری بوده است و البته آقایان میدانند اگر هم بحسب ظاهر نخواهند اقرار کنند، باطناً اینرا میدانند که این اقرار کنند، باطناً اینرا میدانند که این مبنی و به میل چه اشخاصی صورت می‌گرفته است. این مطلب را مردم می‌دانند خواه من یا آقایان بدانم و بخواهم اقرار کنیم بعلمان یا نخواهم اقرار بکنیم. مسلماً در ادوار نمایندگی آقای دکتر طاهری رئیس شهربانی یزد که از کلانتری بریاست شهربانی ارتقاء پیدا کرده رضایت جناب آقای دکتر طاهری را کامل فراموش می‌کند. آن وقت می‌آیند قرعه می‌کشند. این موضوع قرعه خیلی مورد حمله و باصطلاح اعتراض واقع شد و حال آنکه اگر از نظر وجدان بخواهم راجع باصل این موضوع اولاً ما باید خیلی متأثر باشیم که چرا در مملکت ما کار به اینجاشا کشیده شده و من برای اینکه دامنه لکه دار نشود بیایم باین محافظه کاریها متوسل شوم این خودش از نظر مملکت قابل تأسف است. اما خود عمل قرعه‌ای که در این انتخابات بود خودش يك عمل محافظه کارانه بود. مثلاً آقای رئیس مجلس شورای ملی میخواهد سی تا وکیل پنجاه ساله از بین مثلاً پنجاه نفر انتخاب کند برای اینکه ثابت کند که من نظری ندارم و کلای پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگه‌ای چسبانده نشود و بی نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون؛ برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقارا گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش می‌کنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم‌تان عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیاورم

يك نامه‌ایست که آقای سر لشکر و تونو رئیس ژاندارمری بوزارت کشور نوشته است که وزارت کشور چراقعه اولی را که کشیدند و سروان باقری صادقی در آمد آن قرعه را عمل نکرید و رفتید يك قرعه دیگر کشیدید و آقای سرگرد معیری را فرستاده‌اید. (صراف زاده - معیری رئیس ژاندارمری نبوده بله، کی بود ؟) (صراف زاده - سرهنگ کاشانی بود) آقای وکیل یزدند و نمی‌دانند که رئیس ژاندارمری یزد کی بوده است (فرامیزی - دلیل اینست که دخالت مبنی و به میل چه اشخاصی صورت می‌گرفته است. این مطلب را مردم می‌دانند خواه من یا آقایان بدانم و بخواهم اقرار کنیم بعلمان یا نخواهم اقرار بکنیم. مسلماً در ادوار نمایندگی آقای دکتر طاهری رئیس شهربانی یزد که از کلانتری بریاست شهربانی ارتقاء پیدا کرده رضایت جناب آقای دکتر طاهری را کامل فراموش می‌کند. آن وقت می‌آیند قرعه می‌کشند. این موضوع قرعه خیلی مورد حمله و باصطلاح اعتراض واقع شد و حال آنکه اگر از نظر وجدان بخواهم راجع باصل این موضوع اولاً ما باید خیلی متأثر باشیم که چرا در مملکت ما کار به اینجاشا کشیده شده و من برای اینکه دامنه لکه دار نشود بیایم باین محافظه کاریها متوسل شوم این خودش از نظر مملکت قابل تأسف است. اما خود عمل قرعه‌ای که در این انتخابات بود خودش يك عمل محافظه کارانه بود. مثلاً آقای رئیس مجلس شورای ملی میخواهد سی تا وکیل پنجاه ساله از بین مثلاً پنجاه نفر انتخاب کند برای اینکه ثابت کند که من نظری ندارم و کلای پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگه‌ای چسبانده نشود و بی نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون؛ برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقارا گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش می‌کنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم‌تان عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیاورم

از اشخاصی که بکنش این آقای موثقی بوده از قرعه در آورده میشود که بعد دولت که از جریان اطلاع پدید می‌آید می‌فهمد که رئیس کل گزینی وزارت کشور در فرستادن این آقای فرماندار مراعات حق و قانون را نکرده و تقب فرموده او را از کار بر کنار می‌کند. اما این آقای فرماندار در یزد بدبخت شخصی خودشان با آقای دکتر طاهری است که پرونده انتخابات است و من مردم یزد عقیده داریم این پرونده پرونده انتصاب است آمدند شورای شهرستان را تشکیل بدهند ولی جاساتی که در سایر شهرهای دیگر تشکیل می‌شود تشکیل نشد و رؤسای اداری همه را دعوت نکردند شش هفت تا از رؤسای ادارات بیشتر در این شورادعوت نداشتند (صراف زاده - این طور نیست) تمام در این پرونده هست (صراف زاده - استدعا می‌کنم یکی از اینها را که می‌فرمائید بیرون بیاورید و بخوانید) بنده این یادداشت‌ها را که ملاحظه می‌فرمائید تمام اینها راتکه از این پرونده در آورده‌ام حتی تصدیق نمی‌کنم اگر يك جا نوشته است بود نوشته‌ام بود و شده نوشته‌ام یعنی عین عبارت را اینجا نقل کردم تصدیق نمی‌کنم و نقل یعنی هم نکردم و البته تصدیق می‌فرمائید که اگر من بخواهم تمام جریان این انتخابات را - لاجی کنم با این يك ساعت وقت نمیتوانم این اسناد را در بیاورم و این یک ساعت به يك هزارم عرایضم نخواهد رسید اما برای اینکه خود حضرت عالی اطلاع حاصل بفرمائید که آنچه می‌گویم از روی پرونده عرض می‌کنم و روی هیچ نظری مطلبی را عرض نمی‌کنم و دروغ هم نمی‌گویم من این مدارک را که گفته در خارج بشخص شما نشان خواهم داد (صراف زاده - اگر نبود باید تشریف بیاورید اینجا و بگوئید بود) این ۱۰۸ نفر بدون نظر شورای شهرستان انتخاب شدند حتی آن شورای شهرستانی که خود آقای فرماندار هم مایل بود تشکیل بدهند و عرض کردم که شورای شهرستان یعنی تمام رؤسای ادارات و شش هفت نفر را بیشتر دعوت نکردند و آقایان زمانین بازرسان انتخاب بات یزد هم این گزارش داده‌اند و این مطلب را تأیید کرده‌اند که چند نفر از رؤسای ادارات در شورای شهرستان نبوده‌اند و معین شورای شهرستان کوچک قلابی هم که تشکیل شده باز اطلاع از افراد ۱۰۸ نفر نداشته باشند گزارش بازرسان آقایان زمانین تا آخرین لحظه نه شورای شهرستان و بازرسان هم هیچکدام نمیدانستند که این ۱۰۸ نفری که آقای فرماندار می‌فرماید دعوت کند چیست (صراف زاده - آقایان زمانین آن موقع بازرسان نبود) مراجعه کنید به پرونده پس از آنکه ۱۰۸ نفر دعوت میشوند و استقرا هم به عدل می‌آید او هم این نکته‌ای را عرض کنم خدمت آقایان روزیکه بموجب امر کمیسیون تحقیق بنده

جلسه دادند شورای شهرستان درست کردند که ۱۰۸ نفر دعوت کنند که بقید قرعه از بین این ۱۰۸ نفر ۳۶ نفر برای تشکیل انجمن نظارت انتخاب شوند البته آقایان میدانند شورای شهرستان یعنی جلسه‌ای که مرکب است از اکثر و اغلب همه رؤسای ادارات. به استناد این پرونده که در حضور آقایان است و آقایان عقیدشان است که پرونده انتخابات است و من مردم یزد عقیده داریم این پرونده پرونده انتصاب است آمدند شورای شهرستان را تشکیل بدهند ولی جاساتی که در سایر شهرهای دیگر تشکیل می‌شود تشکیل نشد و رؤسای اداری همه را دعوت نکردند شش هفت تا از رؤسای ادارات بیشتر در این شورادعوت نداشتند (صراف زاده - این طور نیست) تمام در این پرونده هست (صراف زاده - استدعا می‌کنم یکی از اینها را که می‌فرمائید بیرون بیاورید و بخوانید) بنده این یادداشت‌ها را که ملاحظه می‌فرمائید تمام اینها راتکه از این پرونده در آورده‌ام حتی تصدیق نمی‌کنم اگر يك جا نوشته است بود نوشته‌ام بود و شده نوشته‌ام یعنی عین عبارت را اینجا نقل کردم تصدیق نمی‌کنم و نقل یعنی هم نکردم و البته تصدیق می‌فرمائید که اگر من بخواهم تمام جریان این انتخابات را - لاجی کنم با این يك ساعت وقت نمیتوانم این اسناد را در بیاورم و این یک ساعت به يك هزارم عرایضم نخواهد رسید اما برای اینکه خود حضرت عالی اطلاع حاصل بفرمائید که آنچه می‌گویم از روی پرونده عرض می‌کنم و روی هیچ نظری مطلبی را عرض نمی‌کنم و دروغ هم نمی‌گویم من این مدارک را که گفته در خارج بشخص شما نشان خواهم داد (صراف زاده - اگر نبود باید تشریف بیاورید اینجا و بگوئید بود) این ۱۰۸ نفر بدون نظر شورای شهرستان انتخاب شدند حتی آن شورای شهرستانی که خود آقای فرماندار هم مایل بود تشکیل بدهند و عرض کردم که شورای شهرستان یعنی تمام رؤسای ادارات و شش هفت نفر را بیشتر دعوت نکردند و آقایان زمانین بازرسان انتخاب بات یزد هم این گزارش داده‌اند و این مطلب را تأیید کرده‌اند که چند نفر از رؤسای ادارات در شورای شهرستان نبوده‌اند و معین شورای شهرستان کوچک قلابی هم که تشکیل شده باز اطلاع از افراد ۱۰۸ نفر نداشته باشند گزارش بازرسان آقایان زمانین تا آخرین لحظه نه شورای شهرستان و بازرسان هم هیچکدام نمیدانستند که این ۱۰۸ نفری که آقای فرماندار می‌فرماید دعوت کند چیست (صراف زاده - آقایان زمانین آن موقع بازرسان نبود) مراجعه کنید به پرونده پس از آنکه ۱۰۸ نفر دعوت میشوند و استقرا هم به عدل می‌آید او هم این نکته‌ای را عرض کنم خدمت آقایان روزیکه بموجب امر کمیسیون تحقیق بنده

بکمیسیون تحقیق رفتم برای اینکه بیان کنم دلایل مخالفتم را با آقایان نمایندگان عضو کمیسیون تحقیق عرض کردم که اجازه بفرمائید من يك مطالعه‌ای در این پرونده بکنم من بطور اصول و از نظر کلی واقف بجزریان انتخابات یزد بیخشد انتصابات یزد ولی انظر آقایان باید از روی این پرونده صحبت کنم اجازه بفرمائید این پرونده را بینم و مطالعه کنم و يك مطلبی اگر آقایان محترم یادتان باشد آنجا عرض کردم یکی از آقایان گفت مگر تو غرض شخصی داری با آقای دکتر طاهری و شاید هم فکر می‌کند که من تعاشی کنم بگویم که خیر من غرض شخصی ندارم من آنجا گفته‌ام که غرض شخصی دارم اما معنای اینکه غرض شخصی دارم با ایشان چیست در مجلس شورای ملی عرض می‌کنم بنده و تیب بنده با آقای دکتر طاهری و تیب آقای دکتر طاهری غرض شخصی دارم اما چه جور غرض شخصی الان مثل می‌کنم مجسم می‌کنم اگر يك کسی بیاید منزل شما بکند بعضی از اشخاص منزل شما را غارت کند و ظلم کند خراب کند ویران کند یا شما میتوانید نسبت بآن کسی که کمک کرده است بمتجاوزی که آمده منزل شما خراب و ویران و اهانش را مرض و گرسنه و بدبخت و بیچاره کرده‌اند نظر خوب داشته باشید؟ و غرض خوب داشته باشید نسبت باین شخص که هادی و کمک کننده به متجاوز بود میشود نظر خوب داشت؟ بنده عقیده‌ام این است و تیب بنده هم همین عقیده را دارم و باین ترتیب جز غرض بدو غرض دشمنی چیز دیگری میشود داشت؟ بنده عقیده‌ام این است و تیب من هم عقیده‌اش این است خواه قبول بکنند و خواه قبول نکنند خواه فحش بشنوم خواه حمله ببینم خواه صدقه ببینم هر چه باشد باشد از نظر من و آن تیبی که مثل من فکر میکنند این نکته مسلم است که آقای دکتر طاهری و تیب دکتر طاهری در این مملکت از ۵۰ سال پیش تا امروز باث خرابی این مملکت بوده‌اند هر تجاوزی که باین مملکت شده از این تیب اشخاص است هنوز داخله این کشور يك فرد استعمار يك فرد انگلیسی نیامده این همه دوز و کلک و خیانت بچند هر چه هست از قامت ناسازار عنای کسانی است که متأسفانه شناسنامه ایرانی در اختیارشان است این عقیده من است و با این عقیده می‌جویم دوستان من رفقای من و حتی دشمنان من همه میدانند که من هر وقت ابراز عقیده کردم صریح گفتم الحمد لله خدا را هم شکر می‌کنم که سرم هم زیر بار هیچکس نیست زیر منت هیچکس نیستم آزاد آزاد هستم و حرفم را می‌گویم و از هیچکس هم باک ندارم اما من با دکتر طاهری و تیب دکتر طاهری غرض دارم چرا؟ چون ویران کننده وطن و دین و مملکت هستند (دکتر طاهری - خیلی متأسفم از این اشتباهی که فرموده‌اید) شما

آقای دکتر طاهری تعجب العارف می‌فرمائید خودتان معنی عرایض بنده را بهتر درک می‌کنید آقای دکتر طاهری شما خودتان بهتر میدانید که در این مملکت هر کس که اسم د دکتر طاهری را بشنود از صمیم قلب نفرین میکند اگر هم باور ندارید من حاضرم الان از در بهارستان بروم بیرون دانه دانه از بقال که فوش و عطار بپرسم که آقا نظر شما درباره دکتر طاهری چیست هر کس مایل است من در اختیارش هستم ۴ ساعت ۳ روز پنج روز برای اینکه افلا بان فرد ثابت بشود این عرض بنده که نظر افراد درباره آقای دکتر طاهری و تیب دکتر طاهری چیست آقای دکتر طاهری مردم این مملکت نهضت کردند قیام کردند مبارزه کردند قربانی دادند فدائی دادند رنج کشیدند حس رفتند تبعید شدند برای اینکه واقعاً حکومت استعمار را در این مملکت ریشه کن کنند (دکتر طاهری - من هم این کارها را کرده‌ام) آقا کوسه وریش پهن که نمیشود بنده که الان در مقابل شما حریوز خانها و کاخ و بارک بیلای اینجا نیامده‌ام من از خلل مبارزات و فشارها و حبسها تبعید ها در بدریها و بدبختیها اینجا آمده‌ام و دارم باشما صحبت می‌کنم اگر مردم ایران تا بحال روی رود بایستی روی رفاقت روی خجالت يك گذشته‌ای در يك مکان‌هایی کردند دیگر مردم ایران گذشت نخواهند کرد مردم ایران میخواهند شما در مرحله اول مجرمانه بگویند دیگر حکومت کردن پس است اسباب درد شدن پس است بروید کنار يك مدتی هم توی این مملکت بگذارید بقالها حکومت کنند يك مدتی هم گذارید توی این مملکت شلاق خوردن ها حکومت کنند کجا آیه نازل شده که توی این مملکت همیشه د کتر طاهری از یزد و کیل بشود که من بفرس قاطع می‌بوانم قسم یاد کنم جرأت ندارد یزد برود کی گفته از آنجا و کیل بشود؟ (دکتر طاهری - این حرفها چیست، نصف یزد فامیل من هستند) بخود فامیلتان هم مراجعه کنید این عقیده بنده را دارند. این عوامل سه گانه یعنی فرماندار و رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری بعد از اینکه بوسیله استادشان آقای فرماندار این ۱۰۸ نفر بخصوص را دعوت کردند مردم یزد قیام کردند مردم یزد اعتراض کردند و همانطور که جناب آقای حائری زاده فرمودند گفتند اینها سابقه صندوقسازی دارند ما حاضر نیستم اینها را بعنوان طبقات ششگانه دعوت کنیم که بیایند باز صندوقسازی کنند من عقیده‌ام این است که آقای دکتر طاهری آخرین دوره است که صندوقسازی میکنند وقتی مردم می‌خواهند اعتراض کنند چگوننه اعتراض میکنند؟ دفاع میکنند؟ تظاهر میکنند؟ الحمد لله این چند نفر از آقایان روزنامه نویس ها و مدیران جراید جزء نمایندگان محترم مجلس هستند آقای فرامیزی و آقای میر اشرفی

بک نامیست که آقای سر لشکر و تونو رئیس ژاندارمری بوزارت کشور نوشته است که وزارت کشور چراقعه اولی را که کشیدند و سروان باقری صادقی در آمد آن قرعه را عمل نکرید و رفتید يك قرعه دیگر کشیدید و آقای سرگرد معیری را فرستاده‌اید. (صراف زاده - معیری رئیس ژاندارمری نبوده بله، کی بود ؟) (صراف زاده - سرهنگ کاشانی بود) آقای وکیل یزدند و نمی‌دانند که رئیس ژاندارمری یزد کی بوده است (فرامیزی - دلیل اینست که دخالت مبنی و به میل چه اشخاصی صورت می‌گرفته است. این مطلب را مردم می‌دانند خواه من یا آقایان بدانم و بخواهم اقرار کنیم بعلمان یا نخواهم اقرار بکنیم. مسلماً در ادوار نمایندگی آقای دکتر طاهری رئیس شهربانی یزد که از کلانتری بریاست شهربانی ارتقاء پیدا کرده رضایت جناب آقای دکتر طاهری را کامل فراموش می‌کند. آن وقت می‌آیند قرعه می‌کشند. این موضوع قرعه خیلی مورد حمله و باصطلاح اعتراض واقع شد و حال آنکه اگر از نظر وجدان بخواهم راجع باصل این موضوع اولاً ما باید خیلی متأثر باشیم که چرا در مملکت ما کار به اینجاشا کشیده شده و من برای اینکه دامنه لکه دار نشود بیایم باین محافظه کاریها متوسل شوم این خودش از نظر مملکت قابل تأسف است. اما خود عمل قرعه‌ای که در این انتخابات بود خودش يك عمل محافظه کارانه بود. مثلاً آقای رئیس مجلس شورای ملی میخواهد سی تا وکیل پنجاه ساله از بین مثلاً پنجاه نفر انتخاب کند برای اینکه ثابت کند که من نظری ندارم و کلای پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگه‌ای چسبانده نشود و بی نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون؛ برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقارا گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش می‌کنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم‌تان عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیاورم

طاهری - همه رأی دادند (آن قراردادی را که آقایان کان لم یکن فرض کردند این آقای معتزمت تصویب فرمودند آقای رئیس شما در باره همه این کار رامیکردید و ۱۶ ساعت مجلس را طول میدادید یا این مطلب مختص جناب آقای دکتر طاهری است ؟ سه نفر دیگر مخالف هستند این جا شما آقای رئیس خوب دارید تر و تمیز میشوید.

رئیس - آقای زهری نیستند آقای مهندس رضوی
خبر و قشقای - بنده پیشنهاد میکنم بعد از این گزارش اعتبار نامه آقای ریگی خوانده شود

مهندس رضوی - آقایان محترم میدانند که بنده در جریان انتخابات این دوره بهیچوجه در اعتراضات شرکت نکردم و دلیل اینکار برای بنده یک قسمت فعلا گفتنی نیست یک قسمت دارم که فعلا نخواهم گفت و آن قسمتی که باید بعرض ملت ایران برسد این است که انتخابات و اعتراضات جنبه تضاد بین قوای داخلی مملکت را دارد در حقیقت و کیلی که در این مجلس می نشیند در نتیجه استفاده از قوای ملی و یا استفاده از حکام و قوه ها که در اینجا را پیدا میکند معمولاً اعتراضات از یکدسته از قوای حاکم بر علیه دسته دیگری از قوای حاکم در اینجا متظاهر میشود گاهی دیده ایم که بین لشکریها و کشورها اختلاف نظریست، این اختلاف نظردر اینجا بصورت اعتراض بر علیه یک پرونده به تریبون مجلس کشانده میشود بنده حقیقتاً نخواستم در این جریان وارد شوم زیرا دلیلی برای رجحان یکدسته از قوای حاکم بر علیه دسته دیگری نداشتم و بعلاوه مصالح مملکت ایران طوریت در حال حاضر که هر قدر از تشنج جلوگیری بشود نفع مملکت است (صحیح است - احسن) باین دلیل بنده نخواستم در جریان اعتراضاتی که نسبت به بعضی پرونده ها بود و حقیقتاً هم بعضی پرونده های این دوره از شاهکار های صنعت انتخابات است و وارد شوم اما قضیه یزدی سه دلیل برای بنده احتراز از پذیر بود اولاً از نظر مدافعه شخص خودم چون اولاً بنده علاقه مند به یزد هستم خواهرم که ازدنیارفته است شوهر یزدی داشته است که ازدنیارفته است و اولادی از او هست که خواهر زاده من است در یزد روابط واقوام داشتم و رفت و آمد منصلی داشتم خانواده من از پنجاه شصت سال قبل بایزد ارتباط داشته اند و خود من هم آمد و رفتم یزد نسبتاً زیاد است و از طرف دیگر یزدو کرمان را بنده دو منطقه متشابه میدانم یعنی آنچه در یزد واقع میشود ممکن است در کرمان هم پیدا شود و با اگر درسی در یزد خوانده شد و بخوبی عمل شد ممکنست خدای نکرده همان درس هم در کرمان تجدید شود و مایک وجه عملی در اینکار دیدم و آن این بود که

یکوقتی میخواستند صحنه انتخابات یزد را بسیرجان یعنی یکی از ولایات کرمان بکشند و این قضیه در اذهان کرمانها آنچنان یادگار تلخی گذاشته است که برای من وظیفه ولایتی و وظیفه همشهری بودن با کرمانها مقدم بر سایر موجبات دیگر است مطلبی که باید بعرض آقایان برسانم اینست که بر خلاف آنچه آقایان در نظر گرفته اند در یزد قوای حاکم که کشور همه متحد بودند در آنجا صحبت از لشکری و کشوری نیست صحبت رئیس الوزرا و ملی و قوای حاکم غیر ملی نیست صحبت این است که تمام قوا برای انتخابات کردن آقای دکتر طاهری کاملاً صمیمانه همکاری کردند من متأسف هستم که باید این نکته را در اینجا بعرض برسانم که من در ورود به این مجلس مصادف بودم با دو جریان عجیب یکی نامه مصدق السلطنه نخست وزیر دیگری عمل مصدق السلطنه نخست وزیر در یزد (میرا شرافتی و جاهای دیگر) من از طرفی میدیدم ایشان با انتخابات اعتراض دارند و مجلس را متوجه پیاره ای نقاط ضعیف پرونده ها میکنند و از طرفی قویاً بر علیه خواسته ملت یزد قیام کرده اند حقیقت اینست که برای من کمال تأسف را دارد زیرا همه ما برای فداکاری ایشان و جماعتی که با ایشان بوده اند در راه مبارزه ملی که قلباً و عملاً با ایشان همراهی داشتیم و همراهی داریم ولی در این زمینه برای من مسلم است که از شخص ایشان گرفته تا کوچکترین عضو مؤثر در انتخابات یزد شرکت داشته و از آقای دکتر طاهری تقویت کردند بنده میدانم اصلاً چرا از رئیس شهربانی و فرماندار اینقدر باید شکایت بشود آقای رئیس شهربانی که از خودش در شهربانی نپیرو و فرمان از خودش نپیرو از طرف مرکز میرو از تهران میرو و تهران را هم که دولت تشکیل میدهد دولت آدرس دارد آدرسش در هیأت وزیران است و گاهی ممکن است از خانه رسمی کاخ ایض بخانه شخصی رئیس الوزرا منتقل شد باشد ولی ما که مجلسی هستیم نمیتوانیم در مملکت اصل تجزیه قوا را قائل بشویم از نظر قوه مجریه مملکت رئیس الوزرا اعداد و رئیس الوزرا مسئول امور است و نمیتواند بگوید مأمورین حرف مرا نمی شنوند و رئیس الوزرائی که بگوید من رئیس الوزرا هستم ولی مأمورین حرف مرا نمی شنوند تنها راهی که دارد این است که استعفا بدهد (صحیح است) اگر ادامه بخدمت داد یعنی من بر مأمورین مسلماً هستم و حکومت می کنم و مسئول امر هستم چرا بیخود مأمورین جز عفتار می آورید ؟ چرا بیخود اینقدر اسم فلان مأمور را می آورید که فلان کرده اند رئیس شهربانی ۱۴ سال آنجا بود دیگری اینکار را کرده آن یکی تباری کرده اینها همه بنظر بنده جزئی از عوامل هستند و به عقیده بنده بیشتر بالآت فعل شبیهند بالاخره

اگر اعتراضی هست بمرکز حقیقی قدرت - مملکت باید بشود باید دید که مقامات کشوری و مقامات لشگری از کمی الهام گرفتارند و از کمی دستور گرفته اند تا مردم یزد را در مقابل یکی از شدیدترین و عجیب ترین فجایع خاموش و در عین حال وحشت زده نگاه بدارند و یکی از شکایات مردم را ترتیب اثر ندهند . مگر قرعه وحی منزل برده تازه مگر در قرعه ها مکرر دست نبردند ؟ بنده در اعتراضات خودم عرض کردم که قرعه ها بعضی تقلبی بوده است ولی بنده فشار روی این کلمه نمی آورم ولی اصول قرعه بعضی اینکه نتیجه مطلوب را نداد یعنی معلوم شد که شخصی که عامل کار است با مردم تماسش تماس غیر قانونی است بنظر بنده جای تردید نمی ماند ، حکومت وقت یعنی حکومت ملی مصدق السلطنه حاکم و رئیس شهربانی را که مردم را کشته بودند اینها را سر جای خودشان نگاه داشت و بشکایاتی که میشد ترتیب اثر نداد و مضحک این بود که در این روزهای آخر هر کس شکایت میکرد می گفتند دستور داده ایم که ببینند واقعاً تقصیر با کیست بنده میدانم که آزادمردی مثل غلامحسین نقاش که یک فرد ایرانی بتعام معنی بود و پدر او یک نفر مقتدی بود که عمر خودش را در آباد کردن این مملکت گذرانده بود یعنی جاه هائی و قنواتی را تأسیس کرده بود البته بدون اینکه اثری از آنها در خانواده خود او باقی مانده باشد زیرا برای مالکین و از آن جمله پدر من کار میکرد ولی نمی توانم فراموش کنم که غلامحسین نقاش خون خودش را در واقع نثار این دستگاه حاکم مملکت را خورد و تصور کرد که انتخابات آزاد معنی دارد ، حکومت ملی معنی دارد ، آمد در مسجد آنجا بدست یک نفر سروان که امروز درجه هم گرفته است او کشته شد ، آقایان محترم ، مبارزه با استعمار که شاخ و دم ندارد مبارزه با استعمار یعنی مبارزه با وسائل استعمار و اگر حکومت اکثر مصدق مبارزه با عوامل استعمار را در داخل مملکت را کند گذاشته و هر روز بهانه اینکه در خارج گرفتاریم تمام مملکت را در دست تشنج گذاشته است تصور میکنید مسئولیت تاریخی ندارد ، تصور میکنید هر روز برای ایران و حکومت ایران میسر خواهد بود که آقای دکتر طاهری را از صحنه سیاست طرد بکنند ، اینطور نیست آقا ، اینها اتفاقاتی است که گاهی می افتد و گمان میکنم که من هم سهمی در چین این مقدمات داشته ام و متأسفانه در داخل مملکت ابتدا عوامل استعمار آن مبارزه ای را که مردم انتظار داشتند انجام نداد ، بنابراین آنچه که عرض کردم اعتراض من در واقع از پشت این کرسی نه بر شهربانی و فرماندار مجلس است بلکه بر حکومتی است که در آن موقع انتخابات یزد را دید و ساکت

نشست و همان عمالی را که موجب این جریان بودند تقویت کرد و این اعتراض را شدیداً بنام تمام ملت ایران بر علیه این حکومت از این محل بعرض ملت ایران میرسانم اما چون هیچ خیال ندارم در این زمینه سخنرانی بکنم و با از پرونده مطالبی گفته باشم یا نکته دیگر هم عرض میکنم که برای ما مردمان جنوب اگر از مردم بیرونی که شما از کهرنج می برید می گویند از دست یک سیاستی و اگر بگویند این سیاست را مثلا کیها نمایش می دهند ؟ در وهله اول آقای دکتر طاهری را نشان میدهند ایشان سلطه حکومت بریتانیا را در این کشور تقویت کرده اند و طبقه ایشان هم اینست که چند نفر عضو ضعیف بیچاره را در وزارتخانه ها گیر می آورند و آنها را زیر حمایت خود می گیرند و بوسیله آنها کارهایی میکنند که هیچ آدم شرافتمندی نمیکند ، تلگراف شمس را تعویض میکنند ، تلگراف شخصی را بتأخیر میندازند پرونده ای را در موقع معینی بداد گستری می آورند ، در موقع معینی پرونده را از داد گستری خارج می کنند ، همه اینها بدست افراد طبقه دوم و سوم وزارتخانه ها انجام می شود و این طریقها که ایشان پیش گرفته اند یک طریقها نیست که اساساً از اصول اولیه حکومت استعماری است یعنی حکومت استعماری در طبقات مؤثر ولی کوچک مملکت رخنه میکند و از این قبیل راهها و وسائل ناراحت کردن و سلب آسایش مردم را فراهم میکنند بنده اعتراضم با ایشان هم از جریان انتخابات است که عرض شده هم از نظر صلاحیت ایشان است و بعقیده بنده ملت ایران باید بداند که اینجانب همانطور که در دوره ۱۵ عرض کردم آقای دکتر طاهری را که فرد خدمتگذار سیاست داخلی این مملکت نمی شناسم و ایشان را یکی از عوامل مسلم سیاست بریتانیا می شناسم و ورقه که بود خورد را با کمال افتخار خدمت ایشان تقدیم می کنم .

قزاق آبادی - بنده تذکری دارم .

رئیس - بفرمائید

قزاق آبادی - بعضی محترمان عرض کنم که اگر جناب آقای رئیس بخواهند اجازه بدهند که جناب آقای دکتر طاهری بیاینند مدافعه بکنند و بعد هم رأی بگیرند بعقد من این عمل منصفانه نیست چون دو نفر از مخالفین ، آقای شبستری و آقای زهری نیستند و آنها هم حق دارند که نباشند برای اینکه نه آقایان و نه هیچکس پیش بینی نمی کرده که جناب آقای رئیس اگر چهار ساعت طول بکشد اجازه بدهند و میخواستم خواهرم کنم که امروز اعلام رأی نفرمایند تا در جلسه دیگر آقایان مخالفین دیگر آقای زهری و آقای شبستری هم صحبت بکنند چون آنها بدون اطلاع از این وضع رفته اند .

رئیس - چون اجازه داده شد که آقای صاحب بفرماید و آقایان صحبت بفرمایند اگر آقای دکتر طاهری اجازه داده نشود تبعیض فائز شده ایم حالا اگر آقای دکتر طاهری بیانی دارید در دفاع؟ (دکتر طاهری - آقایان دیگر هم اگر مخالفتی دارند بفرمایند و مذاکراتشان را تمام کنند)

رئیس - آقایانی که مخالفت دارند و اعتراض میکنند وقتی صدا کردند و نبودند حقشان ساقط میشود این موافق آئیننامه است و حضرتعالی حالا تا آخر دوره راجع به قانونی و هر ماده ای اگر شمارا صدا کردند و تشریف نداشتید فوراً عدول میکنند (قنات آبادی - بنده تذکری دارم) بفرمائید **قنات آبادی** - ابتدا آقای حائری زاده بودند، بعد بنده بودم، بعد آقای مهندس رضوی بودند بعد هم آقای زهری و بعد هم نفر پنجم آقای شبستری بنده عرض کردم که آقایان فکر نمیکنند که جلسه تا اینوقت ادامه پیدا کند

رئیس - نخیر آقای زهری مقدم بودند بعد آقای مهندس رضوی بودند که مطالبشان را فرمودند و آقای شبستری هم که غایب بودند

قنات آبادی - شما چرا عرض بنده را توجه نفرمودید آقای شبستری نمیدانستند که شما امروز برای اعلام رأی چهار ساعت پنج ساعت جلسه را ادامه میدید

رئیس - عرض میکنم خاطر شریف مسبق باشد که عده الان برای رأی کافی نیست (معمدم او ندی - اعلام رأی بفرمائید) بگویم از آقایان موافقین یا خود آقای دکتر صحبتی دارند؟ (دکتر طاهری - خیلی مختصر عرضی میکنم) بفرمائید

دکتر طاهری - بنده خیلی متأسفم که آقایان که اظهار مخالفت فرمودند غالباً روی نظرهای شخصی رفتند و برخلاف خفت مطالبی را اظهار فرمودند که خلاصه اش را بنده مختصراً بعرض میرسانم اول موضوع قرعه بود که صحبت نداشت اولاً آقایان باید مسبق باشند که قرعه را شورای عالی انتخابات با حضور آقای نخست وزیر می کشند کسی هم وارد نبود و خبری نداشت آنرا اگر مال یزد صحیح نبوده آقایان کرمان صحیح بوده؟ مال تهران صحیح بوده؟ مال ناهرود صحیح بوده؟ تنها مال یزد صحیح نبوده کسی وارد قرعه نبوده است اساس کار را خودشان معین میکردند و بشان یکشان در آمده و بشان یکیشان بیرون نمی آمده من خداوند را بشهادت میطلبم که این حاکم یزد را منکته ۲۸ سال است تهران هم در مجلس نه اسمش را شنیده بودم و لابد بودم (دکتر کیان - این را بنده هم تا بدی نمیکنم چون همان وقتها صحبتش را با بنده هم کردند) این موضوع فرمایند

اما موضوع رئیس شهر بانی این رئیس شهر بانی که اینهمه حرفش را میزنند يك سرگردی بود که رئیس کلانتری بود گاهی در یزد و گاهی در کرمان و در انتخابات دوره ۱۵ بر حسب مبارزاتی که ما با توده ای ها کردیم محکوم بحسب شدیم و بنا شد که نگذارند ما وکیل شویم همین رئیس شهر بانی رئیس شهر بانی یزد بود و این آقایان را همین رئیس شهر بانی تبعید کرد، همین آقای صرافزاده را تبعید کرد، اینهم درباره اظهاراتی که میگویند این مخلوق بنده است این مخلوق من تمام اینها را تبعید کرد چون تا اینکار را نمیکنند نمیتوانستند نگذارند که ما وکیل شویم و ما را توقیف کردند و شهر بانی تا توانستند دیگری را تحمیل کنند اما موضوع قتلی که واقع شده در یزد اصولاً آقای کاملی... این قسمت را میخوانم بگفته شدن عده ای از مردم یزد اعتراض شده است و وقوع این امور را دلیل بر عدم صحت انتخابات یزد و انمود کرده اند و این قضیه بهیچوجه با انتخابات ارتباط نداشته بلکه در نتیجه تظاهرات دسته های منتسب بحزب توده که با خاطر مأمورین انتظامی وقعی نگذاشته اند ناشی شده و بعلاوه چند ماه پیش از شروع انتخابات و تعیین هیئت نظار وقوع یافته است ثانیاً این واقعه تا ساف آوراز تحریکات آقای حائری زاده ناشی شده است چه ایشان اصولاً مایل نبودند انتخابات یزد شروع شود و باستناد و با استفاده از دستور آقای نخست وزیر مبنی بر اینکه در هر جا خلاف نظمی مشاهده شود انتخابات متوقف میگردد این جریان را راه انداختند و بمقصد خود رسیدند و مدتی انتخابات تعطیل شد چون آقای نخست وزیر دستور داده بودند که هر جا زرد خورد بشود انتخابات متوقف میشود هر جا که اقلیت هم موفق نمیشدند يك زرد خورد هائی ایجاد میکردند که انتخابات آنجا توقیف شود آنجا هم همین کار را کردند و بعد از این که زرد خورد شد آدم کشته شد و يك سرباز هم کشته شد مجبور شدند که عده ای بفرستند برای حفظ امنیت، در کرمان و اصفهان مشغول انتخابات بودند و دستور که دادند نظامیها آنجا گفتند ما خودمان احتیاج داریم و از اینجا یکمده ای فرستادند، حالا اگر مقصود اینست که چرا رفتند که امنیت را تأمین کنند و بعد انتخابات بشود و همینطور بزنند و بخورند و مثل زابل درست کنند بنده عرضی ندارم بیمهری که بفرمایند میشود برای همین است که آقای حائری زاده هم فرمودند که دستور دادند که تا کانکدید ساختگی درست بشود که هر يك ۱۲ نفر معرفی کنند برای انجمن نظارت و اون نتوانسته اینکار را بکنند برای اینکه یا مطابق قانون باید باشد و یا مطابق قرعه، بالاخره ۳۶ نفر را باید دعوت بکنند برای انجمن نظارت انتخابات از متمدین

مجلس، بعد هم برای شکایتی که شد از فرماندار و از رئیس شهر بانی، آقای نخست وزیر و وزیر کشور و دو نفر مأمور عالی رتبه فرستادند یکی آقای سرابندی استاندار استان ششم که مرد قاضی بی نظری غرضی صحیح العمل مورد اعتماد است برای رسیدگی این کار و شروع انتخابات و یکی هم آقای سرهنک رفیعیان برای نظارت در کار شهر بانی آنجا، این سرهنک رفیعیان که حالا مورد حمله است همانست که انجمن انتخابات تهران منحصراً از اداره شهر بانی کل خواست که صرفاً این مورد اعتماد است و باید بیاید مأمور انتخابات تهران بشود حالا این رفته و انتخابات را درست کرده و دیگر اسم انتخابات تهران را بی وضو نمیشود برد اما همین شخص که مأمور انتخابات یزد بوده حالا میگویند که رفته صندوق سازی کرده و ما را از صندوق بیرون آورده، این اگر اینکاره بود که در تهران هم همین کار را کرده بود

ایراد دیگری که با انتخابات یزد میشود تفاوت فاحش آراء است اگر انتخابات تهران و تفاوت آراء منتخب اول بانفرسیزدهم مورد توجه قرار گیرد این ایراد خود بخود مرتفع می شود میگویند چنانچه انراول ۲۵ هزار رأی داشته است و نفر چهارم ۱۵۰۰ رأی پس این انتخابات طبیعی نیست، خوب رأی نداشته اند تهران هم نفر اولش ۱۱۰ هزار رأی دارد نفر سیزدهم پنج هزار و صد هزار رأی تفاوت دارد این که دلیل نمی شود این که راجع بحریان انتخابات بود

اما موضوع قرارداد ۱۹۳۳ را که برای حمله باین جانب عنوان کرده اند باید توجه آقایان محترم را باین نکته جلب کنم که خداوند میفرماید کل یوم هوفی شأن هر زمان مقتضیاتی دارد در آن زمان مصلحت ایجاب میکند که قرارداد تصویب برسد در این جریان بنده تنها نبودم بلکه ۲۲ نفر دیگر در تصویب قرارداد شرکت داشتند که عده ای از آنان اکنون در صف نمایندگان نشسته و عده دیگر سناتور میباشند و معلوم میشود که معترضین نسبت باینجانب نظر خاصی دارند که تنها مرا گناه کار شمرند آقایان معترضین نسبت های ناروائی باینجانب داده و هر يك در حدود توانائی خود از افترا و تهمت باینجانب خود داری فرمودند بنده جواب زیادی باینقسمت نمیدهم زیرا این حملات ناجوانمردانه امروز وسیله تصفیه حسابهای شخصی شده است و با رواج بازار تهمت و افترا و فحش بهترین جواب باین حملات خاموشی است (میراشرفی - بهترین جواب تکذیب است) ولی از ذکر چند نکته خود را ناگزیر میدانم.

اولاً خدماتی که بدون تظاهر به یزد کرده ام هیچ شخص منصف و بی غرضی نمی تواند آنرا نادیده انگارد و اگر وجوه مردم یزد باینجانب اعتماد دارند و علی رغم کار شکنی های مخالفین و دشمنی های علنی و آشکار

آقای حائری زاده و دارودسته ایشان اینجانب را بنمایند گی انتخاب می نمایند بر اثر همین خدمات صادقانه ایست که بی ریا انجام داده ام آقای حائری زاده بخوبی واقفند که در دوره ۱۵ دولت وقت مجبور شد اینجانب را توقیف و عده ای از مردم سرشناس و محترم و معروف یزد که قطعاً آنروز مورد احترام آقای حائری زاده بودند بوسیله رئیس شهر بانی زمان انتخابات فعلی که او را مخلوق این جاب میدانند تبعید نماید تا بتواند منظور خود را از پیش ببرد و مانع انتخاب این جانب بشود (میراشرفی - آقای دکتر کافی است) الان تمام میشود.

اما ایراد دیگر معترضین در باب رویه سیاسی اینجانب است.

در این باره سخن کوتاه میکنم و در این مکان مقدس و در محضر برگزیدگان ملت و در پیشگاه افکار عمومی خدا را بشهادت میطلبم که از بدو شروع خدمات سیاسی تا امروز قدمی برخلاف مصالح مملکت برداشته و همیشه منافع وطن خود را ملحوظ داشته ام دشمنان ناجوانمرد و بی انصاف که جز فحش و تهمت هیچ سند و مدرکی بر علیه بنده در دست ندارند باید بدانند که امروز در پیشگاه خدا و وجدان سر بلندم که بدون تظاهر و هو و جنجال همیشه برای تأمین منافع مملکت و حفظ حیثیت و شئون کشور تا آنجا که در قوه داشته ام کوشیده ام و هیچ عالمی نتوانسته است مرا از این راه منحرف نماید و هیچ وقت برای تأمین اغراض شخصی و خصوصی و بمقتضای وقت تغییر مسلک نداده و بیرو سیاست های مخرب نشده ام.

بنده عرایض خود را باینجا ختم می کنم و قضاوت امر را بعهده وجدان يك آقایان محترم میگذارم

خبر و قشقای - پرونده آقای ریگی هم حاضر است، گزارشش را بخوانید که تبعیض نشود

رئیس - بگذارید اعلام رأی بکنیم حالا عده برای رأی کافی نیست ولی اعلام رأی میکنیم در اول جلسه آینده موافقین و رقه سفید بانام و مخالفین و رقه سیاه خواهند داد.

يك پرونده هم مال آقای ریگی است تأمل کنید آقایان. آقای دکتر مصباح زاده

امامی اهری - آقایان برخلاف نظامنامه است برای اینکه اعلام رأی شده است و نمیشود خواند

۴ - قرائت گزارش شعبه راجع بنمایندگی آقای ریگی از بلوچستان

(آقای دکتر مصباح زاده مغیر شعبه پنجم گزارش انتخابات بلوچستان و نمایندگان آقای ریگی را بشرح زیر قرائت نمودند) پرونده انتخابات ایران شهر (بلوچستان) ساکی است که در تاریخ ۵ بهمن ۳۳۰ از طرف بهشدار از ۷۲ نفر معتمدین محل و طبقات ششگانه دعوت بعمل آمده (چون ۱۰۸ نفر باسواد در حوزه انتخابیه مذکور بوده از ۷۲ نفر دعوت بعمل آمده) و پس از تعیین ۳۶ نفر و انتخاب اعضاء اصلی و عدل البدل از بین آنها و انتشار آگهی انتخاباتی و تعیین شعب فرعی از تاریخ ۲۶ بهمن لغایت ۳۰ بهمن ۳۳۰ جهت توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین گردیده و مجموعاً

۱۱۹۲۴ تعرفه توزیع گردید پس از استخراج آراء در نتیجه آقای مراد ریگی با اکثریت ۷۴۹۰ رأی از حوزه انتخابیه ایران شهر بنمایندگی هفدهمین دوره تقنینیه انتخاب شده اند. از طرف انجمن مرکزی يك هفته جهت وصول شکایات اعلام و در مدت مزبور شکایاتی بدفتر انجمن رسیده که چون انجمن شکایات رسیده را غیر وارد تشخیص میدهد در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۳۱ اعتبارنامه بنام آقای مراد ریگی صادر و انحلال خود را اعلام مینماید پرونده مزبور شعبه اول ارجاع و چون شعبه نتوانست در ظرف ده روز مقرر گزارش خود را به مجلس بدهد پرونده بشعبه پنجم ارجاع و شعبه پس

از رسیدگی بمحتویات آن وتوجه بشکایات رسیده بمجلس شورای ملی صحت انتخابات حوزه بلوچستان و نمایندگان آقای مراد ریگی را تأیید و اینک گزارش آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

فرامرزی - آقا این اصلاح الحاق قابل طرح نیست

قنات آبادی - آقایانی که پارلمانتر

هستند میگویند قابل طرح نیست

آقای نبوی هم مخالفند

رئیس - من از آنها پارلمانترم. آن

جزء بعدش را نگفتم.

آقای حائری زاده مخالفید با این پرونده

مخالفید؟

فرامرزی - اصلاً این قابل طرح

نیست آقا

ناصر ذوالفقاری - اکثریت برای

رأی نیست، شما چطور این را طرح

میکنید؟

(۵) - تعیین موقع و دستور

جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - میماند برای جلسه آینده

بعد از رأی، جلسه آینده روز پنجشنبه؛

تیر و دستور اول رأی بنمایندگی آقای دکتر

طاهری و بعد سایر اعتبارنامهها

(مجلس دوساعت و ۲۰ دقیقه بعد از

ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **اورنگ**